

تعهدات دولت برای تأمین و تضمین حق کرامت انسانی در فقه و نظام حقوقی ایران

محسن فضلی روزبهانی^۱

فاطمه السادات غمخواری^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

اصل کرامت انسانی یکی از اصول بنیادین بشر است که در اکثر اسناد مهم جهانی و منطقه‌ای، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر درج شده و به رسمیت شناخته شده که در این اسناد بر اهمیت این اصل و همچنین ضرورت رعایت آن تأکید گردیده است. اصل حقوق دفاعی نیز یکی از اصول بسیار مهمی است که به‌ویژه از قرن بیستم مورد توجه قرار گرفته است و نقش ویژه‌ای را در حمایت از حقوق و منافع شهروندانی بر عهده دارد که متأثر از تصمیمات مقامات اداری هستند. تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی تحقیق یافته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که پابندی به حقوق بشر و آزادی‌های عمومی شهروندان از جمله ارزش‌های بنیادی نظام‌های سیاسی مبتنی بر آرای مردم است. نظام‌های سیاسی دموکراتیک، به آزادی‌های اساسی، کرامت، صلح، امنیت و... خود را پایبند می‌دانند. در واقع روابط پیچیده و نیازهای درهم‌تنیده جوامع بشری، پابندی دولت‌ها به ارزش‌های حقوق بشری و پرهیز از نقض مقررات بین‌المللی را ضروری ساخته است. برای نشان‌دادن پابندی دولت‌ها به قواعد و اصول بین‌المللی لازم است که: اولاً؛ هنجارها، اصول، مبانی، نهادهای مرتبط و موانعی که سبب خدشه‌دار شدن این تعهدات می‌گردد، نیاز به بررسی بیشتری دارد. متأسفانه نقض حقوق بشر یک اصل بجای اینکه یک استثنا مطرح باشد امروزه به‌صورت یک قاعده جایگزین گشته است. آنچه نسبت به نقض تعهدات حقوق بشر در اذهان خطور می‌کند، نسبت اعمال نقض به دولت‌ها بیشتر مطرح می‌گردد؛ اما این بدان معنی نمی‌باشد که سازمان‌های غیردولتی، افراد و اشخاص مرتکب نقض تعهدات حقوق بشری نمی‌گردند، بلکه مطالبی نیز به نقش این‌ها نیز یادآوری و مورد توجه قرار گرفته است. اقدامات دولت‌ها جهت ایفای نقش حمایتی‌شان در جهت پاسداری از حقوق بشر و پیشگیری از نقض قوانین بین‌المللی مورد پژوهش قرار گرفته است. استقبال جامعه بین‌المللی نسبت به استانداردهای مطرح حقوق بشر و غیرقابل‌انکار بودن اصول آن موجب گردیده که تعدادی در دنیای معاصر، قواعد بنیادین حقوق بشر را از جمله قواعد آمره حقوق بین‌الملل بدانند. مبتنی شدن صلح و امنیت بین‌المللی بر حقوق بشر، امروزه تداوم و حیات حق حاکمیت کشورها با انجام تعهدات و رعایت حقوق بشر است و کشورها خواسته و یا نخواسته خود را ملزم به رعایت حقوق بشر می‌دانند. با وجود تمامی هنجارها و اصول حقوق بشری، رقابت میان قدرت‌های بزرگ تاکنون از بزرگ‌ترین موانع و چالش‌های دستیابی به اصول و ارزش‌های حقوق بشری به حساب می‌آید.

واژگان کلیدی

وظایف دولت، اهداف دولت، اهداف حکومت

۱. پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه. mohsenroozbahani97@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی.

مقدمه

یکی از پایه‌های شکل‌گیری و اساس نظام جمهوری اسلامی ایران، ایمان بر کرامت و ارزش والای انسانی است. کرامت انسانی به‌عنوان یک راهبرد و استراتژی در حقوق به‌خصوص حقوق کیفری می‌تواند؛ مانند چراغی روشن‌گر و جهت‌دهنده در تصمیم‌گیری‌های قضایی باشد. (Grewe et Ruiz Fabri, 1995:32). کرامت انسانی و حقوق کیفری تأثیری دوسویه بر یکدیگر دارند. حقوق کیفری عرصه‌ی ایراد رنج و آسیب رساندن به جان، سلامتی، آزادی و مال آدمی است و کرامت او را به چالش می‌کشد و از این‌رو تأثیری دوسویه بر یکدیگر دارند. کرامت انسانی یعنی اینکه انسان به ذات و به‌خاطر انسان بودنش دارای کرامت است و باید مورداحترام واقع شود و نباید تحقیر شود، هرچند که مجرم باشد، باید به انسان به‌عنوان هدف و غایت نگاه شود. انسان نباید وسیله‌ای برای رسیدن به هدف حقوق کیفری یعنی تحقق عدالت باشد. بلکه باید خود، هدف باشد، یعنی عدالت را باید با برخورد متناسب با مجرم و متهم دنبال کرد و در جامعه ایجاد کرد نه اینکه از طریق اهانت به شخصیت و حیثیت او و اعمال مجازات سنگین، جامعه بخواد به عدالت برسد. متأسفانه بسیاری از تصمیم‌گیری‌های قضایی در دادگاه و دادسرا مطابق با سرشت و نیازهای انسانی نمی‌باشد و هنوز شاهد شکل ابتدایی از مجازات‌ها و سخت‌گیری‌های کیفری نسبت به متهمان و مجرمان در تصمیم‌گیری‌های قضایی هستیم که نشانگر این است که تصمیمات قضایی در مراجع قضایی بی‌جهت و بی‌هدف و بدون استراتژی خاص و فقط در جهت پاسخ آنی و کوبنده به جرم هستند و هم چنین یک سردرگمی در صدور تصمیمات قضایی از مراجع قضایی مشاهده می‌شود به طوری که بعضی از قضات در قبال جرایم یکسان برخورد سخت را انتخاب کرده و برخی برخورد سبک‌تری را در پیش می‌گیرند (رضوی و همکاران، ۱۴۰۱:۴).

کرامت انسانی می‌تواند یک استراتژی و نقشه راه برای مقامات قضایی باشد تا در تصمیم‌گیری‌های خود مسیر رسیدن مجرم به کمال و پیشرفت را تنظیم کنند و به‌جای نابودی مجرم او را توانمند بسازند. رویکرد فعالان حقوق بشر چنین متمرکز شده است که امور و نکات که به رعایت حقوق بشر و یا نقض آن مربوط می‌شود مسئولیت بیشتر متوجه دولت‌ها است؛ زیرا این دولت‌ها است که بیشترین ابزار و امکانات مالی و معنوی را برای جلوگیری از نقض حقوق بشر و همچنین زمینه حمایت و مسئولیت‌پذیری حقوق بشری را در اختیار دارند. بهتر این است که بیشترین مباحث مربوط به حمایت از حقوق بشر متوجه دولت‌ها و تعهدات آنها گردد. مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال حقوق بشر و حاکمیت قانون مقتضی آن است که ابزار و راه کارهای عملی و مؤثر برای دستیابی به این هدف مورد بررسی و جستجو قرار گیرد. (رضایی زاده و همکاران، ۱۳۹۳:۷).

باتوجه به این ضرورت که؛ جوهره‌ی اصلی حقوق بشر پاسداری از حیثیت انسانی است. هر انسانی فارغ از جنس، رنگ، نژاد و مذهب دارای حیثیت برابر با دیگر انسان‌ها است. برخورداری از حیثیت و کرامت انسانی برابر، از اصول بنیادین حقوق بشر است که در هیچ شرایطی تخصیص نمی‌پذیرد؛ بنابراین منشأ برخورداری از حقوق برابر و یکسان، حیثیت انسانی برابر و یکسان است نه تعلق به جنس، نژاد، مذهب و یا حتی خط‌مشی سیاست غالب؛ لذا مهم‌ترین چالش امروزین جهان مسئله‌ی توجه به مسائل حقوق بشر و مشکلات ناشی از نقض این حقوق بنیادین توسط دولت‌ها است. به حدی که به‌جرت می‌توان ادعا کرد قرن حاضر دوره‌ی توجه به این مقوله و تشکیل دولت‌هایی است که حقوق بشر را در عمل بتوانند نهادینه کرده و ضمانت اجرای داخلی آن را تضمین کنند. باتوجه به رویکردهای جدید نظام‌های سیاسی

دموکراتیک و مردمی، دولت‌ها موظف‌اند که در دو عرصه بین‌المللی و داخلی نسبت به حقوق و آزادی‌های مردم با اعمال ایجابی و یا سلبی از حقوق مردم حفاظت و حراست نمایند (عبداللهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۶).

قوانین بین‌المللی حقوق بشر، دولت‌ها را موظف می‌سازد تا بر اساس ضوابط مشخصی عمل کنند و یا از برخی اعمال مشخص خودداری ورزند تا حقوق انسانی و آزادی‌های اساسی افراد و گروه‌ها، ترویج و حفاظت گردد. با عضو شدن در معاهدات بین‌المللی، دولت‌ها متعهد به اجرای مسئولیت‌ها و وظایفی می‌گردند که مطابق آن باید حقوق انسانی افراد مورد احترام قرار گیرد و دولت‌ها نیز از این حقوق حمایت نمایند. تعهد به محترم شمردن حقوق بشر بدان معنی است که دولت‌ها بایستی از مداخله در حقوق بشر و یا محدود ساختن بهره‌مندی افراد از حقوق انسانی خود پرهیز کنند. تعهد دولت‌ها به حفاظت از حقوق بشر آنان را متعهد می‌سازد تا از افراد و گروه‌ها در برابر نقض این حقوق توسط اشخاص ثالث مراقبت کنند. تحقق حقوق بشر افراد بدین معنا است که دولت‌ها باید گام‌های اجرایی مثبتی بردارند تا تمامی افراد بتوانند از حقوق اساسی و انسانی خود به شکل کامل بهره‌مند شوند. (غمامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰).

در ایران و در پژوهش‌هایی که تاکنون انجام گرفته، توجه چندانی به نقش کرامت انسانی و در راستای رعایت حقوق دفاعی شهروندان در برابر مأموران اداری و اهمیت آن، صورت نگرفته و اغلب پژوهش‌های انجام شده تنها به اهمیت رعایت حقوق دفاعی افراد و یا میزان رعایت آنها در نظام حقوق اداری پرداخته و یا این که مبنای این اصل را عدالت آیینی در نظر گرفته‌اند (رضایی زاده و عطریان، ۸۰۹۰؛ رضایی زاده و درویشوند، ۸۰۹۰). بنابراین در این پژوهش تلاش می‌گردد تا با استفاده از روش کتابخانه‌ای و منابع موجود به سؤال اصلی نوشتار حاضر، تعهدات دولت برای تأمین و تضمین حق کرامت انسانی در فقه و نظام حقوقی ایران چیست؟ پاسخ دهیم.

۱. مفهوم کرامت

الف: کرامت در لغت

کرامت در لغت دارای معانی مختلفی است که مهم‌ترین آنها عبارت است از: ارزش، حرمت، حیثیت، بزرگواری، عزت، شرافت، انسانیت، شأن، مقام، موقعیت، درجه، رتبه، جایگاه، منزلت، نزاهت از فرومایگی و پاک بودن از آلودگی‌ها، احسان و بخشش، جوانمردی و سخاوت. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

از دیدگاه معارف اسلامی «کرامت» مشتق از کرم، بر وزن فرس بوده و به معنی سخاوت، شرافت، عزت، نظافت و ضد لثامت است. کریم بر وزن فعیل، صیغه مبالغه کرم بوده و از صفات خداوند متعال و از اسماء حسنی است و به معنی بی‌نیازی، نفیس، عزیز، محترم و گران‌قدر است. کرم به معنی احسان و کامل‌ترین مصداق آن برای خداوند متعال است و اگر بر انسان اطلاق شود منظور افعال پسندیده و اخلاق حسنه اوست (السیوطی، ۱۴۲۱: ۵۲۳). گرچه کرامت مشتق از کرم به معنی جود و بخشش است لیکن بر انسان‌های وارسته که در حال تهی‌دستی زندگی می‌کنند و بالقوه کریم‌اند نیز اطلاق می‌گردد. چنانچه واژه اکرام که از کرم مشتق شده است به معنی کرم دیگران بوده؛ اما معادل یا مطابق بخشش نمی‌باشد. کرامت به معنی آزادی روح از اسارت تن و حریت خاص است؛ اما در اصطلاح دینی اسم عام است که اگر در مورد خداوند به کار رود به معنای احسان و انعام خدا است و اگر در مورد انسان به کار رود به معنای اخلاق و افعال نیکو و پسندیده است که از انسان ظاهر می‌شود. اگر معانی کرامت انسانی را به‌دقت مورد توجه قرار دهیم، می‌بینیم کرامت بیانگر دو نوع ویژگی و خصوصیت کاملاً متمایز از یکدیگر در موجود انسانی است. برخی از این ویژگی‌ها جنبه ارزشی دارند و رتبه، درجه و موقعیت و جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کنند؛ مثل کرامت شاه و

شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت قابل اکتساب و سلب است و ممکن است کاهش یا افزایش پیدا کند، اما برخی از این نوع ویژگی‌ها مثل انسانیت، ذاتی انسان است و همان‌گونه که قابل وضع نیست قابل سلب از انسان نیز نیست، ذاتی انسان است. این نوع کرامت هیچ رتبه و درجه‌ای را بر نمی‌تابد و به ذات و هستی انسان بر می‌گردد؛ بنابراین می‌توان گفت که دو نوع کرامت انسانی را می‌توان تصور کرد؛ کرامتی که قابل تغییر نیست که به آن کرامت ذاتی می‌گویند و کرامتی که بر اساس ویژگی‌های اخلاقی و خصلت‌های روحی انسانی قابل تغییر است آن را کرامت اکتسابی یا کرامت ارزشی می‌نامند. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۰).

ب: در اصطلاح

کرامت انسانی به‌رغم اهمیت بسیار والایی که دارد تاکنون در هیچ یک از اسناد بین‌المللی و قوانین داخلی تعریف نشده است. به نظر می‌رسد علت عدم تعریف کرامت انسانی به این امر بازگردد که کرامت انسانی موضوعی حقوقی نیست، بلکه مسئله‌ای فلسفی است و یا حداقل جنبه‌های فلسفی آن بر جنبه‌های حقوقی‌اش ارجحیت دارد؛ لذا فلاسفه و اندیشمندان سعی کرده‌اند، کرامت انسانی را تعریف و معنای اصطلاحی آن را روشن نمایند. به گفته یکی از فعالان حقوق بشری به نام «هانا آرنه» که می‌گوید در مورد کرامت انسانی باید از زبان حقوقی استفاده کرد. حق برخورداری از حق، به‌منظور تضمین جدیدی برای کرامت انسانی باید استفاده شود. در برخی از آثار فلسفی این فعال و نویسنده حقوق بشری، از واژگان متفاوتی برای کرامت انسانی استفاده شده است؛ مثل: «عمل یا رویه» و «آزادی‌های عمومی» که وی این کار را به‌منظور جبران بی‌قانونی و عدم تبعیت مفهوم کرامت انسانی در حقوق موجود در جهان مدرن انجام داده است. به نظر عده‌ای، تعریف ایجابی از کرامت انسانی کار سختی است، بر همین اساس عمده مؤلفین تعریف‌های سلب از آن ارائه کرده‌اند که چه کارهایی را نباید انجام داد تا از خدشه به کرامت انسانی جلوگیری شود. در رویکرد سلبی نیز گفته شده که بهتر است تعریف، مصداقی باشد تا حول مفاهیم کلی. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۵).

راغب اصفهانی، کرامت را از دو جهت معنا می‌کند: کرامت خداوند و کرامت انسان. احسان و نعمت‌هایی که خدا می‌دهد و ظهور می‌کند، کرامت «فان ربی غنی کریم». جایی که بخواهد انسان توصیف شود نام آراستگی‌ها و افعال نیکی که از او آشکار می‌شود کرامت گفته می‌شود؛ ولی درباره او کریم نمی‌گویند. سپس راغب می‌گوید: «واژه کرامت معنای عامی دارد و هر چیزی که در جای خودش شرافت و بزرگی داشته باشد، کرامت می‌گویند؛ به همین دلیل خداوند درباره گیاهان می‌گوید: «فأنبثنا فیها فی کل زوج کریم» (آیه ۱۰ سوره لقمان) درباره زراعت‌های خوب و ماندگار می‌گوید: «و زوروع و مقام کریم». اکرام و تکریم، چیزی است که به انسان نفع و فایده‌ای برسد، نفعی که در آن پیچیدگی و مانع نباشد. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

آیت‌الله جوادی آملی، در تفسیر آیه «لقد کرمتنا بنی آدم» (آیه ۷۰ سوره اسراء) می‌فرماید: «قرآن حکیم انسان را موجودی می‌شمارد که خداوند به وی کرامت بخشیده است» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۳۲۱). این کرامت یک ارزش نظری است که بعداً می‌تواند جنبه عملی پیدا کند؛ اما نباید گمان کرد که این ارزش نظری در ردیف اعتباریات جای دارد. کریم بودن انسان واقعیتی است همانند کریم بودن فرشتگان و قرآن که همه اینها مظاهر کرامت خداوندند. البته آن ذات اقدس بالذات کریم است. بدین ترتیب، کرامت انسان نشان‌دهنده آن است که وی حقیقتاً از لحاظ وجودی دارای امتیاز و برجستگی است. به دیگر بیان، کرامت انسان حاکی از آن است که وی دارای کیفیتی برتر و عالی است و گوهر برین موجودات جهان به شمار می‌رود. به همین دلیل، خداوند پس از آفرینش این گوهر ممتاز، به ابلیس خطاب می‌کند: «ما

منعك أن تسجد لما خلقتُ بیدی»؛ این تعبیر، یعنی آفرینش انسان با دودست خدا، نشان‌دهنده آن است که انسان گوهری ارزشمند است، زیرا این تعبیر هنگامی به کار می‌رود که در انجام کاری، احترام ویژه‌ای منظور باشد. (محمد الرازی، ۱۴۱۵:۲۷۲). مثلاً اگر کسی به هنگام عطای چیزی، با دودست آن را عطا کند، نشانگر لطف خاص وی است، همان‌گونه که خداوند به گاه بخشش نیز چنین است: «یا باسط الیدین بالعطیة» با همین توضیح، روشن شد که هرگز مقصود از این‌گونه تعبیر آن نیست که خداوند دارای پیکره و اعضای مادی و از جمله دست باشد، بلکه آفرینش انسان با دودست، بدین معناست که همه شئون الهی در آفرینش او نقش داشته‌اند و از این رو انسان می‌تواند مظهر همه اسمای خداوند باشد و خلیفه او گردد. این کرامت نظری می‌تواند بزرگواری‌های ارزشی و عملی فراوانی را نیز به همراه داشته باشد. به دلیل همین کرامت، همه تعالیم اخلاقی و حقوقی باید با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شوند. هنگامی که پذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه‌ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی، امنیت و... حق اویند، بلکه باید به گونه‌ای تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند (حلوانی، ۱۴۰۰:۱۴۵).

۱.۱. انواع کرامت انسانی

بادقت در معنای لغوی کرامت انسانی، در می‌یابیم که کرامت بیانگر دو نوع ویژگی کاملاً متمایز از یکدیگر، در موجود انسانی است. برخی از این ویژگی‌ها رتبه، درجه و موقعیت افراد را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، جایگاه اجتماعی، سیاسی، دینی و خانوادگی افراد را بیان می‌کند؛ مانند؛ کرامت شاه و شاهزاده و کرامت مؤمن. این نوع کرامت؛ یعنی کرامت اکتسابی و یا ارزشی قابل‌اكتساب و سلب است و چه‌بسا کاهش یا افزایش پیدا می‌کند؛ اما برخی از این ویژگی‌ها، مثل انسانیت ذاتی انسان بوده، نه قابل سلب از انسان است و نه قابل وضع. این نوع کرامت که در اصطلاح به آن «کرامت ذاتی» گفته می‌شود؛ هیچ رتبه و درجه‌ای را بر نمی‌تابد. از دیدگاه اندیشمندان کرامت به دو نوع کرامت ذاتی و اکتسابی قابل تقسیم است که در ذیل به طور مختصر مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱.۱.۱. کرامت ذاتی

منظور از کرامت ذاتی این است که انسان در آفرینش و سرشت خویش چنان ویژگی‌هایی را داراست که به وی جایگاه والایی در میان پدیده‌های جهان بخشیده است. بدین روی، همه انسان‌ها از آن برخوردارند و دقیقاً همین امر اقتضایی برابری همه انسان‌ها را دارد و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد. این قسم از کرامت را می‌توان از آیه ۱۹ سوره‌ی اسراء به دست آورد. آیه شریفه می‌فرماید: «و به تحقیق فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنها را بر مرکب‌های دریایی و زمینی سوار کردیم و از هر غذای پاکیزه به آنها روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری دادیم و چه برتری دادنی»

از این آیه شریفه استفاده می‌شود که افراد انسانی به‌اضافه حق حیات و تکلیف دیگران به مراعات آن، دارای حق کرامت ذاتی هستند که مادامی که خود انسان آن کرامت و حیثیت را به جهت جنایت و خیانت بر خویشان یا بر دیگران از خویشان سلب نکند دیگران مکلف به مراعات این حق هستند همان‌گونه که مکلف به مراعات حق حیات یکدیگر هستند. بنا بر آیه فوق، خداوند «تکریم» را به خودش نسبت می‌دهد و آن چه که از این اسناد برداشت می‌شود، گرامی بودن آفرینش و سرشت انسان‌ها از هر گونه اوضاع و احوال و شرایط و موقعیت است که به کرامت ذاتی تعبیر می‌شود. برخی از مفسران گفته‌اند، این تکریم، ذاتی در دو بعد مادی و معنوی است. بعد مادی مربوط به بعد جسمی انسان‌ها است، مانند ایستاده راه‌رفتن، خوردن و آشامیدن با دست و... در این باره، آیه شریفه‌ی قرآن را که می‌فرماید: «خداوند

همان است که زمین را برای شما محل سکونت قرار داد و آسمان را بنایی ساخت و شما را صورت گفتاری کرد و صورت‌هایتان را نیکو نمود و شما را از پاکیزه‌های مادی، چون اموال و اولاد و همسران و معنوی چون عقل و علم و دین روزی نمود. این خداوند پروردگار شماسست، پس مقدس و پرخیر و برکت است خداوند که پروردگار جهانیان است.» (محمد الرازی، ۱۴۱۵:۴۱۲). گواه بر سخن خود گرفته‌اند. در بعد معنوی نیز گفته‌اند که خداوند به انسان عقل و اختیار بخشیده است. بدین روست که خداوند در سوره مؤمنون پس از بازگو کردن آفرینش مادی و معنوی انسان، آن را با خیر و بهترین خلقت، توصیف می‌کند. توصیف به نیکوترین آفرینش، هم برای بعد جسمانی و هم بعد معنوی انسان است و دلیلی وجود ندارد که آن را ویژه‌ی آفرینش معنوی بدانیم.

۱،۱،۲. کرامت اکتسابی

منظور از کرامت اکتسابی این است که آدمی با تلاش و مجاهدت در زمینه‌های دانش، ادب و عمل صالح، برای خود جایگاه والایی را نزد خویش، جامعه و نزد خداوند، به دست آورد. آیه شریفه سوره‌ی حجرات که می‌فرماید: «ای مردم، بی‌تردید ما همه شما را از یک مرد و زن (آدم و حوا) آفریدیم و یا هر فرد شما را از یک پدر و مادر خلق کردیم و شما را قبیله‌های بزرگ و کوچک قرار دادیم تا همدیگر را بشناسید. پس در میان شما برتری نژادی نیست؛ بلکه مسلماً گرامی‌ترین شما در نزد خدا پرهیزکارترین شماسست. همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است». این قسم از کرامت را می‌گوید. طبق این آیه، کرامتمندترین انسان‌ها کسی است که با مراقبت بر خویش و مجاهدت و نظارت بر غریزه‌ها و هوس‌های خود، زمام آن‌ها را به دست بگیرد و در مسیر قرب خداوند، حرکت می‌کند. به دیگر سخن، آیه شریفه می‌فرماید: «گرامی‌ترین شما کسی است که سرمایه‌های انسانی خود را بیشتر به کار گیرد و نشانه‌های انسانیت را در خود نمایان تر کند، زمام غریزه‌ها و گرایش‌های خودخواهانه و حیوانی خود را به دست گیرد و خویش را از چنگال آن‌ها رها کند و به مقام رستگاری برسد. چنین کسی انسان‌ترین است و نفخه‌ی الهی را در خود بارور ساخته است. در واقع، این‌گونه انسان‌ها کرامت ذاتی خود را سرمایه دستیابی به کرامت اکتسابی می‌کنند و آن را فزونی می‌بخشند.» (الجزایری، ۱۴۰۶:۱۹۷).

از نگاه دین‌باوران، آفرینش خداوند برای دستیابی به این نوع از کرامت است که اصطلاحاً به آن «مقام قرب الهی» گفته می‌شود. «قرب الهی»، نزدیکی به اوست؛ بنابراین، کرامت ذاتی سرمایه‌ی کرامت اکتسابی است و کرامت اکتسابی، کمال کرامت ذاتی است و کرامت اکتسابی در دل کرامت ذاتی که همان تأمین حقوق اساسی اوست، شکوفا می‌شود.

۲. رعایت حقوق دفاعی و کرامت انسانی افراد در حقوق اداری ایران

۱،۲. کرامت انسانی^۱ به‌عنوان مبنای حقوق انسانی

ذکر این نکته دارای اهمیت است که رعایت حقوق دفاعی با رعایت شخصیت انسانی فرد پیوندی عمیق دارد. باید توجه داشت که اصل رعایت کرامت انسانی مفهومی است عمیقاً متافیزیکی، اخلاقی و همچنین فلسفی و مذهبی. چنان که «موتو»^۲ در نوشتار خود با عنوان «کرامت انسانی در حقوق» بیان داشته است: «دیگر این امکان وجود ندارد تا مسئله کرامت، خارج از حوزه حقوق قرار بگیرد». از این‌به‌بعد باید این‌گونه عنوان داشت که کرامت از یک سو به‌وسیله

^۱ Dignité humaine / Human dignity

^۲ Moutouh

^۳ Droit / Law

دریافته شده و پذیرفته شده است و از سوی دیگر، بررسی کرامت بدون در نظر گرفتن حقوق و بررسی حقوق بدون رعایت الزامی کرامت انسانی، در حقیقت ناممکن است (Moutouh, 1999: 166-361). در اینجا می‌توان به این مسئله اشاره داشت که در میان صاحب‌نظران، در مورد کرامت اختلاف نظر وجود دارد. به نظر برخی، کرامت یک حق ساده شخصی^۱ است که به فرد تعلق دارد، در حالی که به نظر برخی دیگر کرامت فراتر از این گونه از تعاریف قرار دارد. از نظر این دسته، هر چند میان حقوق و کرامت هیچ تفاوتی از نظر درجه وجود ندارد؛ اما این دو از نظر ماهیت متفاوتند (de Villiers et Le Divellec.: 2013.321)، در واقع، می‌توان باتوجه به نظر برخی نویسندگان عنوان داشت که کرامت ستونی را تشکیل می‌دهد که بر پایه آن، فلسفه حقوق بشر بنا نهاده می‌شود که خود اصلی است فرا اساسی. در حقیقت رعایت کرامت انسانی آن‌چنان دارای اهمیت است که به‌طور قطع به‌عنوان پایه اساسی بسیاری از حقوق انسانی در نظر گرفته می‌شود. از آنجایی که این اصل در اعلامیه‌ها و معاهدات بین‌المللی متعددی نیز ذکر شده است؛ در حال حاضر کرامت انسانی علاوه بر این که به‌عنوان یک حق یا مجموعه‌ای از حق‌های جدایی‌ناپذیر در نظر گرفته شده، به‌عنوان یک ستون و پایه حقوق بشر در نظر گرفته شده و توسعه پایدار هر جامعه‌ای، رعایت آن را طلب می‌نماید؛ در غیر این صورت، ارزش‌هایی همانند آزادی و برابری، دیگر به‌اندازه کافی دارای مفهوم نبوده و رنگ خواهند باخت (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۵۲). اهمیت اصل کرامت تا بدان‌جا است که در نظر برخی، این اصل در کنار «آزادی توأم با مسئولیت افراد ملت در برابر خداوند» به‌عنوان شرط ادامه حیات نظام جمهوری اسلامی در نظر گرفته شده است (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۲۴).

۲.۲. جایگاه کرامت انسانی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران

در نظام حقوق جمهوری اسلامی ایران، مفهوم کرامت و همچنین ضرورت رعایت حقوق انسانی از موضوعات بسیار مهمی هستند که در ارتباط با عدالت، آزادی و توجه به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد مطرح هستند. باید توجه داشت که این مفاهیم در برخی اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران^۳ (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۸: ۱۱۲) و همچنین در مقدمه آن ذکر گردیده‌اند.^۴

^۱ Subjectif

^۱ همان‌طور که دکتر قاری سید فاطمی بیان می‌دارند: مطابق با فلسفه کانت، کرامت به‌عنوان پایه و اساس حقوق و آزادی‌ها و در چارچوب یک قرارداد پایه‌گذاری شده بر انتخاب انسان دانا و انتخابگر، توصیف گردیده است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۸۳۷). در این خصوص این تعبیر کانت قابل توجه است: «آن‌چنان رفتار کن که همراه انسانیت باشد، آن‌گونه که با هر فرد دیگری همانند خود رفتار کنی». در همین ارتباط و در خصوص مفهوم کرامت در فلسفه اسلامی (ر. ک: کمیته علمی همایش، ۱۳۸۵؛ بهشتی و باهنر، ۱۳۸۲).

^۲ اصل دوم: جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به (...) ۶. کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (...). اصل سوم: «دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد (...): ۱. بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر. ۲. مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۸. رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی. ۱۰. ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور. ۸۴. تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.» اصل بیستم: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» اصل بیست و دوم: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.»

^۴ ذکر این نکته قابل‌اهمیت است که مفهوم کرامت علاوه بر اصول مذکور در قانون اساسی، به‌خوبی در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است: «پیروی از اصول چنین قانونی که آزادی و کرامت انبانی بشر را سرلوحه اهداف خود دانسته و راه رشد و تکامل انسان را

همچنین، بررسی مشروح مذاکرات خبرگان قانون اساسی نیز تأییدکننده این موارد است. آیت‌الله بهشتی به‌عنوان یکی از تئوریسین‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در مقام دفاع از پیشنهاد قرارداد اصل کرامت به‌عنوان اصلی حقوقی در قانون اساسی برآمده بود. در نظر مدافعان این اصل، هنگامی که جمهوری اسلامی به کرامت و ارزش‌های انسانی توجه می‌ورزد، قانون‌گذار نیز موظف به رعایت کرامت انسانی است) صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۴: ۱۳۱) در حقیقت، این امر بیانگر این مسئله است که کرامت انسانی یک اصل پایه‌ای برای دستیابی به حقوق و منافع تمام اقشار ملت و به‌دوراز تبعیضات ناروا و بدون توجه به هرگونه وابستگی قومی و مذهبی آنها است.

باتوجه به مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی می‌تواند این‌گونه عنوان گردد که ذکر کرامت انسانی در میان مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، تنها متأثر از مباحث بین‌المللی موجود در زمینه حقوق بشر و در منشور ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد (مهرپور، ۱۳۸۲: ۱۹). در واقع با این دیدگاه که نگاه قوه مؤسس به لزوم حمایت از حقوق ملت، با در نظر گرفتن اهمیت رعایت کرامت انسانی بوده است؛ در نتیجه، اصول بسیاری به‌خصوص در فصل حقوق ملت می‌توان برشمرد. البته به نظر به‌منظور تبیین و روشن‌سازی جایگاه کرامت انسانی در نظام حقوقی ایران است. بنابراین، کرامت انسانی به‌عنوان طریقی برای دستیابی به تمامی اهداف مقرر در قانون اساسی بررسی می‌گردد. این امر بیانگر این حقیقت است که دیگر هیچ هدف و همچنین منفعتی بالاتر از کرامت انسانی نمی‌باشد. به‌عبارت‌دیگر، نمی‌توان کرامت انسانی را در راه دستیابی به منافع دیگر فدا نمود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاجی است ناگزیر به‌منظور عینیت‌بخشیدن به آزادی‌ها و کرامت ایرانیان؛ بنابراین قانون اساسی تعهدی تعیین‌کننده برای تمامی افراد و به‌خصوص قوه مقننه است تا با ایجاد شرایط لازم، از یک سو عدالت، آزادی، برابری، برادری و پیشرفت توأمان فرد و اجتماع از طریق رعایت کرامت انسانی و از سوی دیگر مقتضیات آن و نتایج آن تحقق یابند (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۶۸).

برخی، در این مفهوم تناقضاتی نیز به چشم می‌خورد (حبیب‌زاده و رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷: ۱۸ به بعد). باید توجه داشت که با در نظر گرفتن اینکه حمایت کامل از حقوق بنیادین افراد، رعایت کرامت انسانی آنها را هم در بر می‌گیرد، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه حقوق افراد را به‌خصوص در فصل حقوق ملت پیش‌بینی کرده، حمایت خود را نیز اعلام داشته است. در ارتباط با حقوق بنیادینی که تضمین‌گر حقوق فردی و اجتماعی افراد هستند، لازم به یادآوری است که اداره‌شوندگان نیز در برابر اداره و در دادرسی‌هایی که علیه آنها آغاز گردیده، از حقوق دفاعی برخوردار هستند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

می‌گشاید بر عهده همگان است». در حقیقت، باتوجه به ذکر کرامت انسانی در مقدمه، از یک سو به‌منظور ارزش‌گذاری سایر اصول مقرر در متن قانون اساسی بوده و از سوی دیگر، برای نمونه، اصل دوم قانون اساسی در بیان مبانی و زیرساخت‌های نظام حکومتی جدید جمهوری اسلامی، شش مبنا را بیان داشته و در مبنای ششم به‌صراحت بر کرامت انسانی تأکید ورزیده (مهرپور، ۱۳۸۲: ۱۱) و در نتیجه، این اصل همچون شرطی لازم برای تکوین نظام جمهوری اسلامی (هاشمی، ۱۳۸۲: ۱۳۰) و مبنای حاکمیت نظام (حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۳) در نظر گرفته شده است. این نکته نیز قابل‌ذکر است که ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران، دکتر حسن روحانی در ابتدای اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۷ فرمودند: «اولین وظیفه ما در قبال مردم، احترام به شخصیت و جایگاه و کرامت مردم است. کرامت انسانی را خدا به انسان‌ها داده و این کرامت مقدم بر دین است. کرامت همه باید حفظ شود.»

۳،۲. جایگاه کرامت انسانی در حقوق اداری ایران

در هر صورت، باید توجه داشت که در میان قوانین و مقررات مربوط به حوزه حقوق اداری، بسیاری از مواد قانونی به ذکر اهمیت کرامت انسانی پرداخته‌اند. برای نمونه، سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۷، قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب هشتم مهرماه ۲۰۱۳۸۶، سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغ شده توسط مقام معظم رهبری در ۳۱۳۸۹ و ۱۰ برنامه تحول نظام اداری مصوب ۴،۱۳۸۹ قابل ذکر هستند.

بدون تردید یکی از مهم‌ترین قوانینی که در این مورد تصویب شده، سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی است که در سال ۱۳۸۲ از سوی مقام معظم رهبری ابلاغ گردیده است. مطابق این سند که یکی از اسناد بالادستی بسیار مهم در سلسله‌مراتب نظام حقوقی ایران است، «جامعه ایرانی در افق این چشم‌انداز بیست‌ساله چنین ویژگی‌هایی خواهد داشت: توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی، با تأکید بر: مردم‌سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع، حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و بهره‌مند از امنیت اجتماعی و قضایی.» (حلوانی، ۱۴۰۰: ۱۴۸).

باتوجه به اهمیت اصل کرامت انسانی، نمی‌توان از تأثیرات قابل توجه یکی از مصوبات موجود در حقوق اداری ایران چشم‌پوشی نمود. مصوبه طرح تکریم مردم و جلب رضایت ارباب‌رجوع در نظام اداری» که توسط شورای عالی اداری در ۲۵ فروردین سال ۱۳۸۱ به تصویب رسیده، دربرگیرنده نکات ارزنده‌ای در خصوص بحث حاضر است؛ چرا که این مصوبه به شکل مستقیم در مورد اصل کرامت افراد تصویب شده است و در خصوص حقوق آنها و روابط میان اداره و افراد بحث می‌کند. در هر حال و با وجود نواقصی که در نظام اداری جمهوری اسلامی ایران به چشم می‌خورد، آنچه غیر قابل‌بحث است، تصویب این مصوبه و صرف لزوم پرداختن به بحث کرامت اداره‌شوندگان توسط مقامات عالی‌رتبه اداری است که اهمیت لزوم رعایت کرامت شهروندان را در حقوق اداری ایران بیش‌ازپیش عیان می‌سازد. در نتیجه، آنچه بدیهی به نظر می‌رسد این است که به تدریج، چنین مصوبه‌ای به بویایی و پیشرفت ادارات عمومی منجر خواهد گردید. ۵. همچنین این نکته قابل توجه است که برخی از حقوق‌دانان نیز با در نظر گرفتن جایگاه والای کرامت انسانی، بر

^۱ بند ۱۴: «اصلاح نظام اداری و قضایی در جهت: افزایش تحرک و کارایی، بهبود خدمت‌رسانی به مردم، تأمین کرامت و معیشت کارکنان» (...)

^۲ ماده ۳۶: «دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند فرآیندهای مورد عمل و روش‌های انجام کار خود را با هدف افزایش بهره‌وری نیروی انسانی و کارآمدی فعالیت‌ها نظیر سرعت، دقت، هزینه، کیفیت، سلامت و صحت امور و تأمین رضایت و کرامت مردم و بر اساس دستور العمل سازمان تهیه و به‌مورد اجراء گذارند...»

ماده ۱۱۴: «به‌منظور ایجاد تحول در نظام اداری کشور در ابعاد، نقش و اندازه دولت، ساختار تشکیلاتی و نظام‌های استخدای، مدیریت منابع انسانی، روش‌های انجام کار و فناوری اداری و ارتقاء و حفظ کرامت مردم و نیل به نظام اداری و مدیریتی کارا، بهره‌ور و ارزش‌افزا، پاسخگو، شفاف و عاری از فساد و تبعیض، اثربخش، نتیجه‌گرا و مردم‌سالار، شورای عالی اداری با ترکیب و اختیارات زیر تشکیل می‌گردد.

^۳ ۱. نهادینه‌سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی و کرامت انسانی و ارج نهادن به سرمایه‌های انسانی و اجتماعی؛ (...). ۸. حفظ کرامت و عزت و تأمین معیشت بازنشستگان و مستمری‌بگیران و بهره‌گیری از نظرات و تجارب مفید آنها؛ (...). ۲۰. قانون‌گرایی، اشاعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری اداری و اجتماعی، پاسخگویی و تکریم ارباب‌رجوع و شهروندان و اجتناب از برخورد سلیقه‌ای و فردی در کلیه فعالیت‌ها.

^۴ ۶-۱. سلامت اداری: تقویت قانون‌گرایی و پاسخگویی یکسان به عموم مراجعین و تکریم آن‌ها.

^۵ ماده ۴: «دستگاه‌های مشمول این مصوبه موظف‌اند نسبت به تهیه و تدوین منشور اخلاقی سازمان مشتمل بر موارد ذیل باتوجه به مبانی اعتقادی و اخلاقی برای تثبیت رفتارهای مناسب شغلی مورد انتظار جهت ارج نهادن و احترام به مردم اقدام نمایند.»

لزوم رعایت کرامت افراد و نقش آن در اجرای حقوق بنیادین ۱ افراد تأکید ورزیده‌اند (بابایی مهر، ۱۳۹۳: ۱۰۹؛ هداوند، آقایی طوق، ۱۳۸۹: ۱۱۳-۱۱۲؛ کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۸۳).

۴.۲. جایگاه کرامت انسانی در آرای دیوان عدالت اداری

با وجود توجه بسیار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به اصل کرامت انسانی، شاهد آن هستیم که دیوان عدالت اداری در آرای صادره خود به صراحت و به طور دقیق به این اصل اشاره نکرده است. با این وجود و با مطالعه عمیق‌تر آرای صادره در دیوان عدالت اداری درمی‌یابیم که نشانه‌هایی مبنی بر رعایت ضمنی این اصل، در ضمن به کارگیری اصول قانون اساسی دربرگیرنده اصل کرامت انسانی، به چشم می‌خورند. برای نمونه می‌توان به دادنامه ۴۳۵ در تاریخ ۲۸ دی ماه ۱۳۸۲ و در خصوص ابطال بند ۴ ماده ۱۶۹ آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها، مصوب ۲۶ تیرماه ۱۳۸۰ قوه قضائیه اشاره کرد که طی آن هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به طور ضمنی بر لزوم رعایت اصل کرامت انسانی تأکید نموده است. ۲. در همین رابطه، دادنامه ۵۳۵ به تاریخ اول اسفندماه ۱۳۹۰ در خصوص ابطال بند یک مصوبه شماره ۵۸۸۱/م/۳۰۵-۱۴/۱۰/۱۳۸۴ جلسه کمیسیون بررسی مسائل سیاسی اجتماعی استانداری مرکزی و نامه شماره ۱۸۹/م-۱۳۸۴/۱۰/۲۴ اداره تعاون روستایی استان مرکزی ۳ و دادنامه ۴۴۱ به تاریخ ۸ مهرماه ۱۳۹۲ و در خصوص ابطال بندهای ۲، ۳ و ۵ صورت جلسه شماره ۴۱/۸۴۷۳/د استانداری تهران قابل اشاره هستند. (عبدالهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹).

۵.۲. اصل حقوق دفاعی در حقوق اداری ایران

در نظام حقوقی ایران، ضرورت رعایت حقوق دفاعی برای نخستین بار در دادرسی‌های کیفری و مدنی در نظر گرفته شده و طبق آن افراد قادر گردیدند که در طی این دادرسی‌ها از حقوق خود دفاع نمایند. در واقع در ابتدای قرن بیستم بود که حقوق شکلی و به تبع آن اصل حقوق دفاعی در میان اصول حقوقی نظام حقوقی ایران جای گرفتند. مطابق نظر برخی حقوق دانان، دفاع حقی طبیعی، کاملاً مجاز، ضروری و بدیهی در خصوص رعایت حقوق افراد بوده و منطقی نیست که افراد را از این حق طبیعی محروم داشت (گل دوزیان، ۱۳۷۸: ۴۳) اگرچه اصل حقوق دفاعی مترادف با اصل تناظر به نظر می‌رسد، به نظر برخی حقوق دانان اصل حقوق دفاعی دارای دامنه وسیع‌تری است؛ پس با توجه به منشأ و مبانی رعایت اصل حقوق دفاعی، ضرورت رعایت این اصل در تمامی مراجع قضایی و اداری مسلم است (شمس، ۱۳۸۱: ۶۱).

^۱ Droits fondamentaux / Fundamental rights

^۲ رأی هیئت عمومی: «طبق اصل ۳۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد و به صراحت اصل ۳۹ قانون مزبور هتک حرمت و حیثیت محکومان به زندان به هر صورت ممنوع و مستوجب مجازات اعلام گردیده است و حکم مقرر در ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی نیز مفهم عدم جواز اعمال مجازات مقرر درباره محکومان بنحو سخت‌تر از حد متعارف است. نظر به اینکه از طرف مقنن حکمی در باب مجازات حبس به صورت انفرادی انشاء نشده و اجرای آن که موجب محرومیت زندانی از مجالست و گفتگو با سایر زندانیان و تألمات روحی و تبعات ناموزن ناشی از آن است، از مصادیق بارز شدت عمل در نحوه و کیفیت اجرای مجازات حبس است»

^۳ رأی هیئت عمومی: «نظر به اینکه مطابق مفاد اصول بیستم و بیست و دوم قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان و در حمایت از قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند و حیثیت و جان و مال و حقوق و مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند و مطابق ماده ۷۲۸ قانون مجازات اسلامی، در صورت وقوع جرم قاضی دادگاه می‌تواند با ملاحظه خصوصیات جرم، مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم در صورت لزوم از مجازات‌های تکمیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی استفاده کند؛ بنابراین اطلاق بند یک مصوبه هفتمین جلسه کمیسیون بررسی مسائل سیاسی، اجتماعی استانداری استان مرکزی که متضمن ایجاد محدودیت در ارائه هر گونه خدمات به زارعان روستای مرزی جران است مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات کمیسیون موصوف است...»

امروزه اصل حقوق دفاعی در حقوق اداری مواردی را در برمی‌گیرد: ضرورت شنیده شدن نظریات فرد، لزوم مستدل بودن تصمیمات اداری و امکان دسترسی به اسناد اداری. در همین راستا، برای آنکه تصمیم اداری علاوه بر اتخاذ در راستای هدف اداره، همچنین بتواند از مشروعیت نیز برخوردار باشد، لازم است که اداره‌شوندگان از حقوق دفاعی خود برخوردار باشند. بدین ترتیب امکان بررسی توأمان کیفیت تصمیمات اداری و چگونگی اعمال اختیارات اعطا شده به مقامات اداری میسر خواهد گردید (رستمی و رنجبر، ۱۳۹۳: ۲۸۷-۲۸۶). امروزه با مطالعه قوانین و مقررات مرتب با حوزه حقوق اداری مشخص می‌گردد که در موارد بسیاری، اصول مرتب با حقوق دفاعی مورد توجه قانون‌گذار ایرانی قرار گرفته‌اند. برای نمونه، ماده ۲۳۸ قانون مالیات‌های مستقیم^۱، ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری^۲ ۲۱۳۷۳ تبصره ۱ ماده ۱۹ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری^۳ ۳۱۳۸۷ و ماده ۱۳ قانون مطبوعات^۴ ۴۱۳۶۴ قابل اشاره هستند. از سوی دیگر، دیوان عدالت اداری نیز در آرای خود بر لزوم رعایت اصل حقوق دفاعی تأکید کرده است. در این خصوص رأی وحدت رویه شماره ۱۱۹ دیوان عدالت اداری در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۳۶۴ قابل ذکر است.^۵ (رضوی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱).

۶.۲. بررسی ارتباط میان حقوق دفاعی و کرامت انسانی

باید عنوان داشت که هیچ تردیدی باقی نمی‌ماند که در نظام حقوقی فرانسه، اصل دارای ارزش قانون اساسی کرامت انسانی به خودی خود دارای یک الزام حقوقی کافی، در داشتن همان دامنه مؤثری است که سایر قواعد یا اصول مبتنی بر قانون اساسی دارا هستند. هرچند ارائه تعریفی از مفهوم کرامت انسانی مشکل است (Jorion, 1999:712) آنچه که هم‌اکنون بدیهی است، این مسئله است که کرامت انسانی نقشی اساسی در پویایی حقوق بشر ایفا می‌نماید. کرامت در حقیقت حمایتی از انسان است که به طور هم‌زمان از یک سو به عنوان یک پیکره و در عین حال به عنوان یک موضوع و

^۱ در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ می‌شود، چنانچه مؤدی نسبت به آن معترض باشد می‌تواند ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ شخصاً یا به وسیله وکیل تام‌الاختیار خود به اداره امور مالیاتی مراجعه و با ارائه دلایل و اسناد و مدارک کتباً تقاضای رسیدگی مجدد نماید. مسئول مربوط موظف است پس از ثبت درخواست مؤدی در دفتر مربوط و ظرف مهلتی که بیش از سی روز از تاریخ مراجعه نباشد به موضوع رسیدگی و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابراز شده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی دانست، آن را رد و مراتب را ظهر برگ تشخیص درج و امضا نماید و در صورتی که دلایل و اسناد و مدارک ابرازی را مؤثر در تعدیل درآمد تشخیص دهد و نظر او مورد قبول مؤدی قرار گیرد، مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس و به امضای مسئول و مؤدی خواهد رسید و هرگاه دلایل و اسناد و مدارک ابرازی مؤدی را برای رد برگ تشخیص یا تعدیل درآمد مؤثر تشخیص ندهد، باید مراتب را مستنداً در ظهر برگ تشخیص منعکس و پرونده امر را برای رسیدگی به هیئت حل اختلاف ارجاع نماید.»

^۲ ماده ۱۸: «متهم می‌تواند پس از اطلاع از موارد اتهام و در مهلت تعیین شده از سوی هیئت، جواب کتبی و مدارکی را که در دفاع از خود دارد به هیئت تسلیم نماید، در غیر این صورت، هیئت می‌تواند به موارد اتهام رسیدگی و رأی لازم را صادر کند.»

تبصره - کارمند متهم می‌تواند به منظور ارائه مدارک دفاعی خود از هیئت مربوط، تقاضای تمدید مهلت کند. در این مورد، اتخاذ تصمیم با هیئت مربوط است و در هر حال مدت تمدید از ۵ روز نباید تجاوز کند.»

^۳ تبصره ۱: «هیئت رسیدگی کننده در صورت تقاضای کارمند یا نماینده او (با در دست داشتن وکالت نامه از دفاتر اسناد رسمی) باید مدارک لازم را در اختیار وی قرار دهد.»

^۴ ماده ۱۳: «هیئت نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز به یک نشریه درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگی‌های لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد جهت اجراء به وزیر ارشاد گزارش نماید و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ موافقت هیئت نظارت برای متقاضی پروانه انتشار صادر کند.»

^۵ رأی وحدت رویه: «آرای صادره از هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری علی‌القاعده باید مبتنی بر دلایل متقن و معتبر و ضوابط شرعی و قانونی باشد و صدور رأی بدون رعایت قاعده فوق‌الذکر که از اصول بدیهی داوری است موافق مقررات و موازین قانونی نیست.»

یک شخص، او را در برمی گیرد. بنابراین، در این خصوص برای کاهش موارد نقض کرامت، ناگزیر از الزامی ساختن رعایت آن هستیم (Moutouh, 1999:112).

در ارتباط با حقوق دفاعی افراد در برابر اداره، باتوجه به این حقیقت که یک تصمیم اداری نامطلوب می تواند حقوق و منافع اداره شونده را به عنوان افراد انسانی تهدید کند، چنانچه شخص مورد نظر قادر به دفاع از خود نبوده و تنها به عنوان موجودی تسلیم در برابر اوامر اداره در نظر گرفته شود، این در حقیقت کرامت انسانی اداره شونده است که به طور قابل توجهی در معرض خطر قرار گرفته است؛ بنابراین، از این امر این گونه نتیجه گرفته می شود. در حقوق اداری ایران، هر چند حقوق دفاعی به خوبی به عنوان سرآغاز تضمین حقوق ماهوی در نظر گرفته شده اند؛ اما نباید از خاطر برد که این حقوق از سوی دیگر، به طور تنگاتنگی با کرامت انسانی نیز درهم تنیده شده اند. به عبارت دیگر، از آنجایی که فرد انسانی کرامت انسانی را در اختیار دارد، حق دارد تا از حقوق دفاعی و همچنین سایر حقوق انسانی و به منظور تضمین حقوق ذاتی خود بهره مند گردد. در حقیقت، نقش اصلی حقوق دفاعی، دستیابی به تضمین عدالت در طی دادرسی اداری، فرایند اتخاذ تصمیم و هنگام رویارویی فرد با اداره است (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۱۳۸).

با در نظر گرفتن ویژگی ها و همچنین ماهیت قدرت، بدیهی است که ادارات عمومی همواره در معرض وسوسه خودکامگی و اجتناب از پاسخگویی و مسئولیت پذیری قرار دارند. این نگرانی هنگامی بیشتر افزایش می یابد که فرد با ادارات عمومی که تمامی ابزارهای اعمال نیت خود را در اختیار دارند، روبرو می گردد. از طرف دیگر، این مسئله حائز اهمیت است که شهروندان کمترین امکانی به منظور اجبار اداره بر پاسخگویی و نظارت بر آن در اختیار ندارند؛ بدین ترتیب موضوعیت ضرورت حمایت از فرد در برابر اداره نه تنها کاهش نیافته؛ بلکه توجه بیشتری را نیز می طلبد (هداوند و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۸). باید توجه داشت که هنگامی که اداره شونده از حقوق دفاعی خود محروم گشته باشد، این در حقیقت دولت است که همواره متعهد به تضمین رعایت حقوق افراد است. در هر حال باید بر این نکته تأکید داشت که دولت تعهدی جدی را با بررسی درخواست های افراد و همچنین شیوه تعامل با آنان، در طی یک دادرسی اداری بر عهده می گیرد. به عبارت دیگر، هنگامی که حقوق دفاعی افراد مورد نقض واقع می گردند و در نتیجه این امر، حقوق شکلی آنان نادیده گرفته می شوند؛ از یک سو، تأمین و تضمین این حقوق از وظایف دولت است و از سوی دیگر، این حقوق تعهدی بر عهده دولت هستند که باید به طور فوری تحقق یابند. آنچه دارای اهمیت بیشتری است، این است که این نقش دولت به عنوان ضامن اساسی حقوق دفاعی، از ضرورت وجود یک دولت حداکثری ناشی نمی گردد (قاری سید فاطمی، ۱۳۸۲: ۱۳۱). لازم به ذکر است که یکی از روابط میان حاکمیت قانون^۲ و حقوق اداره شونده گان، نقش مؤثری است که حاکمیت قانون در برقراری تضمینات و محدودیت های لازمه بر قدرت های ادارات عمومی دارا است. بنابراین، شناسایی حقوق دفاعی برای افراد امری است اساسی که یکی از عناصر برجسته مرتب با رعایت کرامت ذاتی انسان را نیز تشکیل می دهد (مرکز مالگیری، ۱۳۸۲: ۹۱). در نتیجه مقامات اداری موظف اند تا به اتخاذ تصمیماتی بپردازند که از نظر ماهیت موجه هستند و حقوق دفاعی افراد را رعایت می نمایند. با بررسی عمیق معیارهای عمومی اصل حاکمیت قانون، درمی یابیم که اگر این اصل در یک جامعه عینیت یافته باشد، به طور حتم از طریق بهبود روابط میان اداره و افراد، قادر

^۱ برای توضیحات بیشتر در مورد حاکمیت قانون (ر. ک: گرجی، ۱۳۸۷: ۸۱۴-۸۳۷).

^۲ État de droit / Rule of law

خواهد بود تا در تمامی جنبه‌های ایجادکننده تضمینات رعایت حقوق افراد، تحولی بنیادین و عمیق ایجاد کند (هداوند و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷-۱۶).

۳. تعهدات و وظایف دولت در تأمین و تضمین حق کرامت انسانی

در این توافق، ممکن بود هر کدام از طرفین ضرر یا سود کنند یا ممکن بود وضعیت هر دو آنها بهبود یابد که نتیجه آن بر روی دیگران، اثری ندارد. بر اساس این دیدگاه، طرفین به‌خوبی می‌توانند به منصفانه‌ترین و بهینه‌ترین قیمت دست یابند؛ اگر این گونه است پس چرا دولت‌ها وجود دارند و در اقتصاد دخالت می‌کنند؟

ما می‌دانیم که در زندگی روزمره، فعالیت‌های اقتصادی‌ای وجود دارد که بر دیگر افراد جامعه تأثیر غیرمستقیم دارد. به‌عنوان مثال، انتشار گازهای گلخانه‌ای یا آلوده شدن آب‌ها که به دلیل وارد شدن پساب کارخانه‌ها و کارگاه‌های صنعتی در آب رودخانه‌ها باعث ایجاد مخاطراتی برای سلامت دیگر افراد جامعه می‌شود. در چنین شرایطی، تولید این کارخانه‌ها آثار جانبی بر روی معیشت دیگران دارد و قیمت‌ها به‌خوبی نمی‌تواند بازگوکننده میزان نیاز به این تولیدات باشد، به‌عبارت‌دیگر، بازار آزاد نمی‌تواند به‌درستی عمل کند و شرایطی به وجود می‌آید که نیازمند دخالت دولت است که اصطلاحاً به آن، «شکست بازار»^۱ می‌گویند. شکست بازار انواع گوناگونی دارد که می‌تواند به دلایل مختلفی مانند وجود انحصار، عدم تولید کالا از سوی بخش خصوصی یا توسعه نیافتگی کشور رخ دهد؛ اکثر اقتصاددانان معتقدند که تحت این شرایط، دولت باید در اقتصاد مداخله کند و از طریق ابزاری که در اختیار دارد، نارسایی ایجادشده در نظام بازار را حل و فصل کند؛ اما این تنها مسئولیت دولت‌ها نیست، بلکه نقش‌های دیگری نیز برای این نهاد در جامعه قابل‌تصور است که وجود آن را برای هر جامعه‌ای توجیه می‌کند. برای پیدا کردن این پرسش که چرا دولت‌ها وجود دارند، ابتدا باید به این سؤال پاسخ داد که دولت چیست؟ «هارولد دمرو»، تاریخ‌شناس و استاد تاریخ، بیان می‌کند که دولت،^۲ گروهی از مردم هستند که مسئول ایجاد سیاست‌های عمومی برای کل جامعه و کنترل کردن آن هستند. از این‌رو، دولت می‌تواند به‌عنوان یکی از ارکان و نیروهای مؤثر در فرایند سیاست‌گذاری اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش‌آفرینی کند. برای درک بهتر این موضوع و یافتن چرایی وجود دولت‌ها، در ادامه به توضیح جزئی‌تری از نقش‌های دولت در جامعه پرداخته می‌شود. «میلتون فریدمن»، نویسنده و نابغه اقتصاد جهان معتقد بود دولت‌ها نباید در اقتصاد دخالت کنند. از دید او، دولت تنها وظیفه حفظ امنیت و آزادی شهروندان را برعهده دارد و هر چیز دیگر، از جمله فراهم آوردن امکانات تحصیل رایگان برای افراد جامعه، دخالتی غیرمنصفانه در بازار محسوب می‌شود. (حلوانی، ۱۴۰۰: ۱۴۹).

۱,۳. دفاع در برابر دشمنان خارجی و حفاظت از حقوق طبیعی

قدیمی‌ترین و ساده‌ترین نقش دولت، محافظ بودن است. دولت‌ها باید از طریق ایجاد قانون و برقراری نظم، از مردم در برابر درگیری‌ها و خشونت‌ها دفاع کنند. توماس هابز نیز در اثر لویاتان خود بر لزوم وجود دولت برای تأمین امنیت، برپایی نظم و قانون و حفاظت شهروندان از یکدیگر و از دشمنان تأکید می‌کند و می‌گوید جهان بدون حضور دولت‌ها، مملو از ناامنی‌های بی‌امان خواهد بود. در واقع، هنگامی که هرج‌ومرج، جنگ و آشفتگی سر به فلک می‌کشد، مردم حتی به دولت‌های مستبد و متعصب نیز راضی می‌شوند؛ و این موضوع در بسیاری از مناطق آسیب‌پذیر دنیا به‌راحتی

¹ Market Failure

² state

قابل مشاهده است، به عنوان مثال، حضور طالبان و داعش در خاورمیانه؛ اما دلیل بروز این همه جنگ و درگیری در طول تاریخ چیست؟ شاید به دلیل وجود حس خودپسندی و تعصب در ذات انسان‌ها باشد یا طبق گفته کارل مارکس، تأثیر «اموال» بر خودخواهی و حرص و طمع افراد باشد. به هر دلیلی که باشد، زمانی که مردم بی بردند که برای محافظت آسان‌تر از خود در برابر بیگانگان، بهتر است به صورت گروهی زندگی کنند و یکی یا عده‌ای از این گروه، قدرت بیشتری داشته باشد، دولت‌ها را به وجود آوردند. با گذر زمان کشورها گسترش یافتند و به گونه‌ای سازماندهی شدند که شهروندان خود را نه تنها در مقابل یکدیگر، بلکه در برابر حملات خارجی نیز محافظت کنند. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۳).

دولت‌ها به عنوان محافظ کشورهای خود نیازمند آموزش و تجهیز ارتش و نیروهای پلیس و ایجاد دادگاه و زندان در سراسر کشور و همچنین انتصاب و انتخاب مقامات برای تصویب و اجرای قوانین در داخل مرزهای کشور هستند. در همین راستا، در برخی از کشورها، دیوارهای بزرگی برای محافظت در برابر مهاجمان ساخته شد و در برخی دیگر، ارتشی از نیروهای نظامی آموزش دیده، تعلیم دادند. در درون مرز کشور نیز، دولت وظیفه حفاظت از حقوق اساسی بشر را بر عهده دارد که شامل حق زندگی، حق آزادی و مالکیت می‌شود.

۲,۳. رعایت و تصمیم‌گیری قضایی

با تأمل در ضرورت مجازات این نکته اجمالاً روشن می‌گردد که همه اقوام و ملل به نوعی مجازات را پذیرفته‌اند و به صرف این شبهه که مجازات تحقیر مجرم است و باکرامت او سازگار نیست، دست از مجازات نکشیده‌اند. پس هر جامعه‌ای برای افراد خود حقوق ویژه‌ای را در نظر می‌گیرد، مانند حق حیات، حق آزادی، حق برخورداری از امنیت، حق مالکیت و ده‌ها حق دیگر که مجموعه آنها در راستای تحقق سعادت فرد و جامعه است و برخی از این حقوق، ناشی از برخورداری انسان از کرامت است؛ لذا این نکته روشن است که همه جوامع به نوعی به مجازات تن می‌دهند و به بهانه کرامت انسان، مجرم را مطلق‌العنان رها نکرده‌اند که هر کاری که بخواهد، انجام دهد. علاوه بر آنکه انسان‌های دیگری که در جامعه زندگی می‌کنند نیز دارای کرامت هستند و ما نمی‌توانیم به صرف حفظ کرامت یک فرد به او اجازه دهیم که به دلخواه عمل کند و در این میان متعرض حق حیات، حق مالکیت، حق آزادی و سایر حقوق افراد شود. همان‌طور که انسان از اختیار و قدرت انجام عمل، برخوردار است در قبال آن نیز مسئول است و باید پاسخگوی اعمال خود باشد. (رضایی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین بخش‌های هر نظام حقوقی، نظام کیفری آن است که تعیین‌کننده‌ی جرایم و تصمیم‌گیری‌های قضایی و نیز چگونگی رسیدگی و شیوه‌های اثبات جرایم و اجرای تصمیم‌ها و مجازات است. اهمیت این بخش از نظام حقوقی به دلیل ارتباط مستقیم آن با مصالح مهم اجتماعی از یک طرف و با حیثیت، شخصیت و کرامت انسان‌ها از طرف دیگر است. (عبدلهی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۹). عدم وجود یک نظام کیفری کارآمد موجب اختلال در نظم و امنیت اجتماعی و متزلزل شدن ارکان یک حیات اجتماعی سالم خواهد شد. خشونت و سخت‌گیری بیش از اندازه و اعمال تصمیم‌های غیرانسانی و عدم دقت در رسیدگی نیز موجب تعدی به حقوق انسانی، اجتماعی و کرامتی افراد می‌شود. همین عوامل موجب شده است در فصل قوانین مجازات اسلامی و چگونگی اجرای آنها نیز اصول و قواعدی حاکم باشد که قضات موظف‌اند در تصمیم‌گیری‌های قضایی مورد لحاظ قرار بدهند که این امر در راستای حفظ شخصیت و کرامت مجرمین است، این اصول در اصل در رابطه با مجازات هستند و برای مجازات انسانی و کرامت‌مدار

در نظر گرفته شده‌اند؛ اما از آنجایی که مجازات نیز بخش مهم و همچنین زیادی از تصمیم‌گیری‌های قضایی را در بر می‌گیرد می‌توان این اصول کلی را در تصمیم‌گیری‌های قضایی نیز لحاظ کرد و رعایت نمود که در اصل نیز این گونه است و باید این اصول در تصمیم‌گیری‌های قضایی رعایت شود (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۶۱).

۳,۳. سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش

مهم‌ترین اولویت دولت به‌عنوان سرمایه‌گذار، قطعاً آموزش است. آموزش و پرورش با تغییر طرز فکر و ارزش‌های افراد، تأثیر مستقیم بر رشد و توسعه کشور دارد و نتایج پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه توسعه کشورها نشان‌دهنده رابطه مثبت بین بهبود آموزش عمومی و میزان رشد اقتصادی است. به همین دلیل است که نه تنها اندیشمندان حوزه آموزش و پرورش بلکه اقتصاددانانی که به مباحث توسعه می‌پردازند، به نقش سواد عمومی افراد جامعه، توجه ویژه‌ای دارند و بیان می‌کنند که کشورهای در حال توسعه برای رسیدن به توسعه و رشد پایدار، باید بر روی آموزش‌های عمومی مردم، به‌ویژه روستاییان و افراد ساکن در مناطق کم‌درآمد، سرمایه‌گذاری بیشتری کنند. هرچند که ثمره این سرمایه‌گذاری در درازمدت مشخص می‌شود و نیازمند طرح‌ها و برنامه‌های منسجم با افق بلندمدت است. علاوه بر جنبه سرمایه‌گذاری، آموزش و پرورش را می‌توان به‌عنوان کالای مصرفی نیز دید. (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۱). در این دیدگاه، افراد با صرف هزینه بر روی آموزش خود، می‌توانند موقعیت‌های شغلی بهتر، درآمد بالاتر و در نتیجه رفاه نسبی بیشتری را کسب کنند. فریدمن و بسیاری از طرف‌داران بازار آزاد معتقدند که والدین می‌توانند به‌جای اتکا به مدارس دولتی، فرزندان خود را در مدارس آزاد ثبت‌نام کنند؛ زیرا این امر باعث می‌شود دولت‌ها در این زمینه مداخله کمتری داشته باشند و مکانیسم بازار به‌خوبی عمل کند هرچند باید به این موضوع توجه داشت که عدم دخالت دولت در آموزش و پرورش می‌تواند نتایج متعددی را به همراه داشته باشد. علاوه بر این، این عدم دخالت می‌تواند موجب افزایش تبعیض‌های جنسیتی و ایجاد شکاف درآمدی بین زنان و مردان در کشورهای در حال توسعه شود، زیرا در اغلب این کشورها، دختران درآمد کمتری دارند و به‌راحتی توان پرداخت مخارج آموزش را ندارند. در چنین شرایطی دولت باید زیرساخت‌های مناسب برای ادامه تحصیل و آموزش همه شهروندان را مهیا سازد. (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۸). جدا از حیاتی بودن سرمایه‌گذاری و دخالت دولت در آموزش و پرورش، نحوه این دخالت نیز بسیار مورد اهمیت است. از آنجاکه رشد مغز در سال‌های ابتدایی کودکی صورت می‌گیرد و قدرت یادگیری و پردازش در این سنین بیشتر است و با گذر عمر، سرعت یادگیری افراد روبه‌زوال می‌رود، به دولت‌ها توصیه می‌شود که زیرساخت‌های مناسب برای آموزش و رشد کودک را از همان دوران بارداری از طریق تشکیل کلاس‌هایی برای والدین و برنامه‌های آموزشی مناسب برای کودکان خردسال فراهم کنند. علاوه بر این، سال‌های نوجوانی نیز، دوره دیگری از رشد مغز است که نیازمند کسب آموزش مناسب و همچنین حمایت از سمت محیط آموزشی است تا برای کسب دانش و مهارت لازم برای ورود به زندگی مستقل و انتخاب شغل مناسب آماده شوند. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۵).

۴,۳. مدیریت شرایط اقتصادی

در سال‌های اخیر، مسئولیت‌های دولت گسترش یافته است و پای دولت‌ها به زمینه‌های اقتصادی نیز باز شده است. طبق دیدگاه کلاسیک اقتصاد، بازارها به‌خودی‌خود نتایج بهینه‌ای را به همراه دارند و نیازی به مداخله و کنترل از سوی دولت نیست؛ اما هنگامی که در طول دهه ۱۹۳۰، اقتصاد بسیاری از کشورها از هم پاشید و بسیاری از کشورها خود را غرق در رکودهای بزرگ دیدند، این دولت‌ها بودند که وارد عمل شدند و از طرق مختلف سعی در ایجاد ثبات اقتصادی داشتند.

هرچند در برخی از کشورها همچون آلمان، اتریش، لهستان و مجارستان، دولت‌ها با به‌کارگیری سیاست‌های غلط پی‌درپی، باعث بروز رکود تورمی شدند و حتی برخی از این کشورها شاهد ابر تورم‌هایی بودند که تا سالیان سال، تبعاتش گریبان‌گیر مردم بود. با این حال، بسیاری از دولت‌ها خود را موظف می‌دانند در شرایطی که دوران رکود اقتصادی طولانی می‌شود، با افزایش مخارج دولتی، تقاضای کاهش یافته را جبران کنند و عمق این رکود به وجود آمده را کاهش دهند و از این طریق از فقر و بیکاری جلوگیری کرده و کیفیت زندگی شهروندان خود را بهبود بخشند. یکی از مهم‌ترین وظایف هر دولتی حفاظت از شهروندان خود در برابر حملات خارجی است. امپراتوران باستانی چین نیز در همین راستا «دیوار بزرگ» را برای دفاع از مرزهای امپراتوری خود ساختند. انتشار گازهای گلخانه‌ای به وسیله کارخانه‌ها باعث ایجاد مخاطراتی برای سلامت دیگر افراد جامعه می‌شود. در چنین شرایطی، تولید این کارخانه‌ها پیامد خارجی منفی بر روی معیشت دیگران دارد. در چنین شرایطی دولت‌ها باید وارد عمل شوند و با ابزاری مانند مالیات، تولیدات آنها را به میزان بهینه اجتماعی نزدیک کنند. (معتضدیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۶).

۵.۳. تأمین کالاهای عمومی

یکی دیگر از مهم‌ترین دلایلی که دولت به‌خاطر آن در اقتصاد مداخله می‌کند، تولید و تأمین کالا و خدمات عمومی است. در اقتصاد، کالای عمومی به کالا یا خدماتی گفته می‌شود که برای تمام افراد جامعه قابل دسترس باشد، به‌عنوان مثال، اجرای قانون، تأمین امنیت ملی، حاکمیت قانون، وجود جاده‌ها در سطح کشور و فضاهای سبز شهری و همچنین دسترسی به هوا و آب آشامیدنی سالم، نمونه‌هایی از این نوع کالا هستند (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹). اغلب کالاهای عمومی به‌خاطر ویژگی‌های خاصی که دارند، از سوی دولت تولید و عرضه می‌شوند و هزینه آنها اغلب از طریق مالیات پرداخت می‌شود. دو ویژگی مهم این نوع کالاها که آنها را از کالاهای خصوصی مجزا کرده است شامل استثناناپذیری^۱ و غیررقابتی^۲ بودن مصرف آن است. استثناناپذیری این کالا به معنای آن است که نمی‌توان مصرف افراد مختلف را از هم جدا کرد یا این عمل هزینه بسیار زیادی را به همراه دارد. به‌عنوان مثال، اگر یک سرمایه‌گذار بخواهد نمایش آتش‌بازی در شهری برگزار کند و از افراد شرکت‌کننده در این مراسم هزینه دریافت کند و کسانی را که هزینه‌ای پرداخت نکردند. از دیدن این مراسم باشکوه منع کند، با مشکل بزرگی مواجه می‌شود، زیرا کسانی که حتی برای این نمایش هزینه‌ای پرداخت نکرده‌اند نیز می‌توانند از پنجره خانه خود آن را تماشا کنند و ممانعت این سرمایه‌گذار از مصرف گروهی از افراد که هزینه پرداخت نکرده‌اند، عملاً غیرممکن است. (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۰). غیررقابتی بودن این کالا نیز به این معنی است که وقتی یک نفر از این کالا استفاده می‌کند، مانعی برای استفاده دیگری به وجود نمی‌آید. در مثال آتش‌بازی، مصرف افرادی که هزینه‌ای پرداخت نکرده‌اند، اثری بر دیگران ندارد و لذت آنها را از مشاهده این نمایش شگفت‌انگیز کاهش نمی‌دهد. این دو ویژگی مهم و منحصربه‌فرد کالاهای عمومی باعث به‌وجود آمدن مشکل «سواری مجانی»^۳ برای مصرف این کالا شده است. دوباره برمی‌گردیم به مثال آتش‌بازی؛ در این مثال اگر نمایش آتش‌بازی برای هر فرد ارزشی به اندازه ۱۰ دلار داشته باشد و هر فرد به اندازه ۱۰ دلار از این نمایش لذت ببرد، بدون شک تعداد کمی از ساکنان شهر این مبلغ را پرداخت می‌کنند و ترجیح می‌دهند دیگران این هزینه را

¹ nonexcludability

² nonrivalrous

³ free ride

پرداخت کنند و آنها به صورت مجانی از خانه‌شان این نمایش را مشاهده کنند و بدین شکل، مشکل «سواری مجانی» به وجود می‌آید. در این صورت اگر سرمایه‌گذار نتواند این مشکل را حل کند و بابت این نمایش، هزینه‌ای مطالبه کند، حتی اگر تقاضا برای این کالا زیاد هم باشد، باز هم این نمایش تولید نمی‌شود. باید به این نکته توجه داشت که اگر بنگاهی که به دنبال کسب سود خودش است، این نوع کالاها را تولید نمی‌کند، دلیل بر بی‌اهمیت بودن کالاهای عمومی نیست و در این شرایط، دولت‌ها باید دست به کار شوند و وظیفه تولید و ارائه این نوع کالاها بر دوش آنها خواهد بود. (غمامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۳).

۶.۳. تنظیم بهینه آثار خارجی

طرف‌داران بازار آزاد بر این باور بودند که افراد جامعه با دنبال کردن منافع شخصی خود و بدون دخالت دولت به منصفانه‌ترین و بهینه‌ترین قیمت ممکن خواهند رسید؛ اما این در صورتی است که شکست بازار رخ ندهد. یکی دیگر از بخش‌هایی که در آن، مکانیسم بازار قادر به تخصیص بهینه منابع و ایجاد کارایی در اقتصاد نیست، حوزه اثرات و پیامدهای خارجی است. «پیامد خارجی»^۱ چیست؟ یک هزینه یا سود ناشی از تولیدکننده است که در حساب‌های مالی او در نظر گرفته نمی‌شود. یک پیامد خارجی می‌تواند مثبت باشد یا منفی و همچنین هزینه یا فایده ناشی از آن می‌تواند به یک فرد برسد یا یک جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. پیامدهای خارجی در اقتصاد زمانی رخ می‌دهند که تولید یا مصرف خاصی، بر نفر سومی که مستقیماً به تولید یا مصرف آن کالا ارتباطی ندارد، تأثیر بگذارد. اگر این اثر به فرد سوم منفعت برساند، پیامد خارجی مثبت و اگر ضرر برساند، پیامد خارجی منفی است. به عنوان مثال، هنگامی که در خیابان هنرمندی در حال نواختن یک قطعه موسیقی گوش‌نواز است، پیامد خارجی مثبت برای عابران ایجاد می‌شود و زمانی که فردی در ماشین خود با صدای بلند در حال آهنگ گوش دادن است و از نزدیک بیمارستان عبور می‌کند، پیامد خارجی منفی برای بیماران آن بیمارستان ایجاد خواهد کرد؛ مانند مثال‌های فوق، فعالیت‌های اقتصادی نیز به طور غیرمستقیم بر دیگران اثرات مثبت یا منفی دارند (Irvin, Renee.2004.213).

در چنین شرایطی دولت‌ها باید وارد عمل شوند و با ابزاری مانند مالیات و یارانه، تولیدات آنها را به میزان بهینه اجتماعی نزدیک کنند. البته سیاست‌گذاران می‌توانند به جای دخالت مستقیم، به طور غیرمستقیم وارد عمل شوند و با فراهم آوردن زمینه‌های مذاکره و همچنین تصریح حقوق مالکیت، شرایط را برای ایجاد توافق بین طرفین مهیا کنند و مسئله تنظیم بهینه اثرات خارجی را با هزینه کمتری حل و فصل کنند.

۴. تعهدات و وظایف حکومت در تأمین معیشت و کرامت مردم از نگاه قرآن

این روزها به دلیل تحریم‌های خارجی و سوءتدبیر در مدیریت اقتصادی کشور، فشارهای زیادی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه وارد شده است. وزارت محترم اقتصاد نیز هیچ برنامه مدونی برای برون‌رفت از شرایط موجود ندارد و قیمت مواد اولیه و نیازهای ضروری مردم روزبه‌روز در حال افزایش است. این روزها به دلیل تحریم‌های خارجی و سوءتدبیر در مدیریت اقتصادی کشور، فشارهای زیادی به اقشار آسیب‌پذیر جامعه وارد شده است. وزارت محترم اقتصاد نیز هیچ برنامه مدونی برای برون‌رفت از شرایط موجود ندارد و قیمت مواد اولیه و نیازهای ضروری مردم روزبه‌روز در حال افزایش است. این در حالی است که در آینه اسلام، فقر سزاوار نکوهش بوده و بسترساز کژاندیشی و برخی

¹ Externality

ناهنجاری‌های اجتماعی است. همچنین مجموعه‌ای از ناآرامی‌های روحی و جسمی در سطوح فردی و اجتماعی از آن زاینده می‌شود. بدین سان، فقر تهدیدی جدی برای ارزش‌های جامعه دینی است که ثبات آن را از بین می‌برد. (مرزوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۷).

با این مقدمه، در این یادداشت به بررسی و تحلیل وظیفه حکومت اسلامی در تأمین معیشت مردم از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازیم.

در مجموعه قرآن کریم آیات زیادی در ارتباط با وظیفه حکومت در تأمین معیشت و زندگی مردم آمده است. از جمله در آیه ۵۳ سوره نساء خداوند در این خصوص می‌فرماید: «أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا»؛ آیا برای آنان (یهودیان) بهره‌ای از حکومت است؟ که در آن هنگام، ذره‌ای به مردم نمی‌دادند. این آیه دستور خداوند به حکومت‌های الهی است که زمامداران باید اهتمام به ارتزاق مردم و تأمین معیشت آنان داشته باشند. همچنین در آیه ۵۵ سوره یوسف (ع) آمده است: «قال اجعلني على خزائن الأرض إني حفيظٌ عليمٌ». یوسف گفت: «در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم». (السیوطی، ۱۴۲۱: ۵۸۷). مطابق این آیه شریفه یک پیامبر در رأس خزانه‌داری مملکت قرار می‌گیرد تا گندم‌ها و قوت هفت سال قحطی در مصر به درستی و بر اساس عدالت بین همه مردم تقسیم شود؛ بنابراین یکی از الزامات حکومت اسلامی سرپرستی یک شخص با بصیرت، دانا، پاک‌دست و عادل در امور مصرفی بیت‌المال برای تقسیم عادلانه آنها بین همه مردم است. حضرت علی (ع) که سمبل یک حکومت مبتنی بر عدالت اجتماعی است، در ارائه گزارشی از وضعیت حاکمیت خویش می‌فرماید: ما أصبح بالكوفة أحدًا الا ناعمًا، إن أدناهم منزلةً لياكل من الثبر و يجلس في الظل و يشرب من ماء الفرات؛ همه مردم کوفه از رفاه برخوردار شدند چون حتی فقیرترین افراد جامعه نان گندم می‌خورند و سرپناه مناسب دارند و از آب سالم می‌نوشند. نتیجه اینکه امام علی علیه‌السلام ماحصل حکومت و گزارش چندساله حکومتش را برای «معیشت مردم» عنوان می‌کند (بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۷).

الف: تأمین رفاه و عدالت اجتماعی

از دیگر وظایف دولت اسلامی در حوزه اقتصادی، تأمین رفاه و عدالت اجتماعی است. رفاه عمومی تعبیری است معطوف به وضعیت اقتصادی که حفظ کرامت انسانی و مسئولیت‌پذیری افراد جامعه در قبال یکدیگر و ارتقای توانمندی‌ها از اهداف آن است. همچنان که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه به مالک‌اشتر رفاه و گشایش عمومی را وظیفه حکومت اسلامی برشمرده و می‌فرماید: ثم الله الله في الطبقة السفلى من الذين لا حيلة لهم، من المساكين والمُحتاجين و... یعنی اینکه حکومت اسلامی باید به وضعیت اشخاص طبقه ضعیف و مساکین و نیازمندان که هیچ چاره و گشایشی در حل مشکلات معیشتی خود ندارند، رسیدگی کند. به علاوه در بند دوازدهم از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفاه عمومی وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران عنوان شده است. (فروغی نیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴).

بر اساس تعالیم اسلامی تأمین معیشت در یک حکومت اسلامی دارای شاخص‌هایی است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به رفع فقر و محرومیت، عدالت اجتماعی و نیز نظارت و مبارزه با اختلالات اقتصادی اشاره کرد.

ب: رفع فقر و محرومیت

رفع فقر و محرومیت و بهبود زندگی مردم و بهره‌مندی آنان از مواهب مادی از وظایف مهم حکومت اسلامی است. در قرآن کریم رفع فقر و محرومیت بسیار مورد توجه قرار گرفته و تدابیر مختلفی برای توسعه اقتصادی و نابودی فقر و محرومیت دیده شده که از جمله آنها عمران و آبادانی زمین و استفاده از مواهب الهی آن است. در این باره آیه ۷ سوره مبارکه حشر می‌فرماید: «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فله وللرسول ولذی القری والیتامی والمساکین وابن السبیل کی لا یكون ذولاً بین الأغنیاء منکم وما آتاکم الرسول فخذوه وما نهاکم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله شدید العقاب»؛ آنچه را خداوند از اهل این آبادی‌ها به رسولش بازگرداند، از آن خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و مستمندان و در راه‌ماندگان است تا این اموال در میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد! آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید و از آنچه نهی کرده خودداری کنید؛ و از مخالفت خدا پرهیزید که خداوند کیفرش شدید است. (الجزیری، ۱۴۰۶: ۴۱۲). پس این مصارف شش‌گانه ذکر اولویت‌هایی است که پیامبر (ص) در مورد اموالی که در اختیار دارد باید رعایت کند و به تعبیر دیگر پیغمبر اکرم (ص) این همه ثروت را برای شخص خودش نمی‌خواهد؛ بلکه به عنوان رهبر و رئیس حکومت اسلامی در هر موردی که به نفع مستمندان باشد، مصرف می‌کند. این آیه مبین این است که در یک حکمرانی خوب، زمامداران جامعه اسلامی باید بر مدار عدالت و انصاف عمل کرده و در مصرف بیت‌المال توجه ویژه‌ای به نیازمندان داشته باشند.

2- نظارت و مبارزه با مفساد اقتصادی: یکی از شیوه‌های تأمین معیشت مردم، بستن گلوگاه‌های فساد اقتصادی است. زمامداران حکومت اسلامی باید به تعبیر آیه ۱۵ سوره مبارکه یوسف «حفیظ» باشند و با برنامه‌ریزی دقیق، تدبیر و دوراندیشی و همچنین استفاده از تجربه روز دانش بشری، بسترهای لازم را برای رونق کسب و کار و فعالیت‌های اقتصادی شفاف و روشن فراهم کنند؛ بنابراین مواردی مانند احتکار، ثروت‌اندوزی و کم‌فروشی در یک حکومت اسلامی برخلاف شریعت اسلام و آیات و روایات است. همچنان که امام علی علیه‌السلام در نامه ۵۳ خود به مالک اشتر، وقوع احتکار را ناشی از ناتوانی حکومت بر شمرده و در نامه‌ای به رفاعه بن شداد دستور می‌دهد با مرتکبان احتکار به شدت برخورد کنند. به علاوه آیات ۱ تا ۳ سوره مطففین ناظر به کم‌فروشی است: «ویل للمطففین (۱) الذین إذا اکتالوا علی الناس یستوفون (۲) وإذا کالوهم أو وزنوهم یخسرُونَ (۳)»؛ وای بر کم‌فروشان، آنان که وقتی برای خود پیمان می‌کنند، حق خود را به طور کامل می‌گیرند؛ اما هنگامی که می‌خواهند برای دیگران پیمان یا وزن کنند، کم می‌گذارند. البته باید توجه داشت وظیفه دولت در تأمین معیشت، نباید سبب رخوت، سستی و بی‌انگیزگی افراد جامعه شده و آنان را از کار شبانه‌روزی و اشتغال در جهت کسب روزی حلال باز دارد. هستی جولانگاه تلاش، فعالیت و کسب و کار مشروع است. همچنان که خداوند در آیه ۳۹ سوره نجم می‌فرماید: و أن لیس للإنسان إلا ما سعی؛ یعنی برای انسان جز آنچه تلاش کرده، بهره دیگری نیست. به علاوه خداوند در آیه ۷ سوره انشراح می‌فرماید: «فإذا فرغت فانصب»؛ پس هنگامی که از کار مهمی فارغ می‌شوی، به کار و فعالیت دیگری پرداز. (الجزیری، ۱۴۰۶: ۲۷۳). بر این اساس، مطابق احکام شریعت اسلام، انسان در کنار کارهای معنوی و الهی، همواره باید در حال کوشش و تلاش برای کسب روزی حلال باشد که این امر نیز نوعی عبادت محسوب می‌شود.

ج: حقوق متقابل دولت و شهروندان

حق به مفهوم ثابت، راستی، حقیقت، بهره و اولویت و تکلیف به معنای دین و زحمت است (المعجم الوسیط، ج ۲۱/۷۹۵، المنجد/۱۴۴، مجموعه آثار شهید مطهری ج ۲۲/۲۳۴) حق و تکلیف دوسویه‌اند. هر جا امتیازی وجود دارد، تکلیف و وظیفه و غایتی نیز در میان است و هر جا وظیفه‌ای بر کسی مسلم شد، حقی نیز برای وی در نظر گرفته شده است. هیچ کس دارای حقوق یک‌طرفه نیست. زن و شوهر حقوقی دوجانبه دارند. این نکته ریشه در سرشت انسان‌ها دارد و در آموزه‌های اسلامی جلوه و جایگاه ویژه دارد که هیچ مکتب و مرامی به این پایه نرسیده و نتوانسته دست یابد. رسول خدا، محمد مصطفی (ص)، کسی را که باری بر دوش دیگران باشد و باری از دوش دیگران بر ندارد، ملعون خوانده است (کافی، ج ۴/۱۲) و امیرمؤمنان فرموده است: «لایجری لأحدٍ إلا جری علیه و لایجری علیه إلا جری له» (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶) کسی را حقی نیست، جز این که بر او نیز حقی است و بر او حقی نیست، جز آن که او را حقی بر دیگری است.

دولت و شهروندان نیز در این قاعده جای دارند. در دولت‌های استبدادی، حقی به سود مردم بر زمامدار تعریف نشده و خدمت‌های دولت برای مردم احسان و تفضل نامیده می‌شود. نظام‌های لیبرال سرمایه‌داری که بر اساس لذت‌گرایی و توجه به منافع فرد بنا شده‌اند، تنها از حقوق مردم گفت‌وگو می‌کنند. در تفکر دینی، هر کسی به اندازه‌ای که به کاری می‌پردازد، حق دارد و به میزان بهره‌وری از بهره بازخواست می‌شود. هر کس به هر اندازه که بهره می‌برد به همان میزان باید بار جامعه و حکومت را به دوش بکشد. (حلوانی، ۱۴۰۰: ۱۵۴).

در اسلام، در تعامل دولت و شهروند، وظایف و حقوقی بیان شده است. در فرهنگ اسلامی، پیوند دولت و شهروند برتر از دایره قراردادهای اجتماعی، رابطه‌ای است معنوی و بر اساس اخوت و سرپیچی از آن، افزون بر سلب پاره‌ای از بهره‌های مادی، محرومیت از ثواب‌های معنوی را نیز در پی خواهد داشت. اجرای بسیاری از آیین‌های اجتماعی در پرتو نظام ممکن است و دولت مشروعیت خود را از شریعت می‌گیرد (کتاب البیع، ج ۲/۴۶۱) به نظر امام خمینی ورود در حکومت هم حق است و هم تکلیف و مردم وظیفه دارند در ساختن دولت دینی مشارکت کنند (صحیفه امام، ج ۱۰/۱۵): «حکومت کردن و زمامداری در اسلام، یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمامداری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز برعهده‌اش است که باید انجام دهد. حکومت و زمامداری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست.» (صحیفه نور، ج ۴/۱۹۰).

در نگاه آن فقیه نکته‌بین، دولت اسلامی عصاره و تبلور اراده ملت است. دولت و ملت پیوند، بستگی و بده‌بستان دارند و از هم جدایی‌ناپذیرند (صحیفه امام ج ۱۰/۴۸۶) از مؤلفه‌های انقلاب اسلامی، احقاق حقوق مردم است. رهبری نظام از پایگاه معنوی ریشه‌داری در میان مردم بهره دارد. انقلاب اسلامی به سازمان، گروه و قشر ویژه‌ای بستگی نداشته و ندارد و توده‌های بی‌نام‌ونشان بار آن را بر دوش داشته، پشتیبان اصلی آن بوده و هستند. در طول انقلاب، این جناح‌های فکری و سیاسی بودند که به دریای مردم پیوستند، نه این که مردم، دنباله‌رو آنان باشند. مردم در سایه رهبری امام خمینی، مبارزه کردند، به پیروزی رسیدند و پایه‌های انقلاب اسلامی را استوار کردند. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۷).

۱،۴. تعهدات دولت بر حفظ و تأمین حقوق شهروندان از دیدگاه فقهی و اسلامی

۱،۱،۴. تکریم شهروندان

تکریم شهروندان، از مهم‌ترین کارها و رسالت‌هایی که دولت اسلامی برعهده دارد و باید در انجام آن تمام تلاش خود را به کار بندد، نگهداشت کرامت شهروندان است و تأکید بر شرافت و حقوق انکارناپذیر مردم. دولت در جایگاه زمامداری و سرپرستی مردم، وظیفه دارد از آبرو و شخصیت تک‌تک شهروندان پاس بدارد. این حق، سنگ زیرین و بنیادین شخصیت آدمی است. آدمی در پرتو این حق و عزت‌نفس، خواهد توانست از دیگر حقوق انسانی خود به دفاع برخیزد. در نگاه قرآنی امام خمینی، مردم کریم و آزاد و آزاده آفریده شده‌اند (صحیفه امام، ج ۶/۳۰۱) و باید از این گوهر قیمتی مراقبت کرده و آن را در پای ناکسان نریزند. از این‌روی امام پس از انقلاب اسلامی، تأکید داشت مردم عادی و دولتی‌ها، حق دارند از کرامت و شرافت خود در برابر اتهام‌های دیگران دفاع کنند و قوه قضائیه باید آن را دنبال کند. معیار کرامت در نگاه امام، پایبندی به ارزش‌های دینی است. خداجویی، حق‌طلبی و راستی، معیار برتری افراد بر یکدیگر است. عقل و خرد، افراد مسئولیت‌پذیر را با مردم ارزش‌گریز، در یک ترازو نمی‌نهد. پیش از انقلاب اسلامی، احزاب کمونیست به نام خلق و توده، در جهان سوم، از جمله ایران، میدان‌داری می‌کردند و به رقبای خود برچسب ضد‌مردمی می‌زدند. (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۹).

بدیهی است، تکریم ارباب‌رجوع ارتباطی تنگاتنگ با حقوق شهروندی شهروندان دارد که به‌قرار زیر است:

شفاف‌سازی نحوه ارائه خدمت به مردم بدین معنی که شهروندان باید از نوع خدمات قابل ارائه به ارباب‌رجوع، مقررات مورد عمل و مراحل انجام کار، مدت‌زمان انجام کار، مدارک موردنیاز و فرم‌های مورد عمل، عنوان واحد، محل استقرار، نام متصدی انجام کار و تعیین اوقات مراجعه و نوع فناوری مورد استفاده اطلاعات لازم را داشته باشند.

اطلاع‌رسانی از نحوه ارائه خدمات به مردم

به روش‌هایی از قبیل نصب در تابلوی راهنما در مبادی ورودی و در معرض دید مراجعین، تهیه بروشور و توزیع بین ارباب‌رجوع و مخاطبین، نصب نام و نام خانوادگی، عوامل متصدی انجام کار، پست سازمانی و رئوس وظایف اصلی کارکنان در محل استقرار آنان و راه‌اندازی خط تلفن گویا برای راهنمایی مردم صورت می‌گیرد

کارمندان سازمان‌ها نیز باید مواردی از قبیل نظم و آمادگی برای ارائه خدمات به مردم، وقت‌شناسی، نظم و آراستگی لباس، رعایت ادب و نزاکت، عدالت و انصاف در ارائه خدمات خوب به مردم، همکاری و خوش‌برخوردی،

آمادگی برای ارائه اطلاعات و توضیحات کافی در هنگام موردنیاز به خدمت‌گیرندگان را رعایت کنند (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷۲).

موارد اشاره شده و همچنین نظرسنجی از ارباب‌رجوعان در خصوص نحوه گردش کار و نیز پیگیری و ریشه‌کنی در طرح تکریم ارباب‌رجوع مورد اشاره قرار گرفته است؛ لذا مسئله‌ای که در این طرح مغفول مانده است ضرورت استقرار کامل دولت الکترونیک است. گسترش دولت الکترونیک سبب شفاف‌سازی فرایندهای اداری، افزایش سرعت و کاهش هزینه و درنهایت تحقق هرچه بهتر حقوق شهروندی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. (شجاعی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۰).

۴، ۱، ۲. حق بر خورداری از تعیین سرنوشت

دولت اسلامی ایران، بر شالوده آرای شهروندان استوار است و خواسته مردم در استقرار و تداوم آن، نقش حیاتی دارد. امام خمینی، نشان داد چگونه می‌توان جمهوریت را در چارچوب اسلام تفسیر و انتخاباتی صددرصد مردمی و دینی برگزار کرد. امام، جمهوریت را در کنار اسلامیت، رکن نظام شمرد و مردم را صاحب حق و رأی. وی مردم‌سالاری دینی را در فرهنگ سیاسی جای داد و آن را نهادینه کرد. رهبری انقلاب، روز رأی مردم به جمهوری اسلامی و الغاء رژیم سلطنتی را، روز امامت امت و روز عید ملت و قدرت ملی خواند که نشان‌دهنده رکن بودن نقش مردم در تکوین و پیشبرد نظام است و بدون آرای مردم دین‌باور، حکومت دینی، به حقیقت نمی‌پیوندد. در انگاره امام، حکومت اسلامی هم باید مردمی باشد و هم رأی مردم بیعت با خدا به شمار آید. مشورت با مردم در جهان امروز، در قالب رایزنی با نمایندگان مردم و مجلس تبلور پیدا می‌کند. در نظر امام، مقدرات کشور در دست مجلس است، مجلس باقوت حافظ نظام و عامل پیشرفت و استقلال جامعه است. امام از مردم می‌خواست در گزینش نمایندگان خود دقت کنند و وکیل شایسته برای قانون‌گذاری و نظارت بر مقدرات کشور برگزینند. (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۱).

۴، ۱، ۳. آزادی بیان

از نظر قرآن کریم، نه تنها انسان دارای کرامت ذاتی است، بلکه بر بسیاری از مخلوقات برتری داده شده است. از این منظر، همه چیز در مادیات خلاصه نمی‌شود. به عبارت دیگر، انسان دارای دو بعد مادی و معنوی است و ارضای تمایلات مادی نباید در ضدیت با ارزش‌های معنوی او باشد.

آزادی بی‌حد و حصر در بعد بیان و دیگر آزادی‌های از این قبیل چنانچه در راستای کرامت نفسانی او باشد، مطلوبیت دارد. دوم، این اعلامیه به صورت احساسی و با ترحم و عذوفت نگاه شده است. به عبارت دیگر، در آن برای انسان اهداف آرمانی در نظر گرفته شده است؛ مثل هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، صلح، آزادی و عدالت که - فی‌نفسه - مطلوب به نظر می‌رسد. ولی باید توجه داشت که استفاده از احساسات فطری بشری برآورنده نیاز حقیقی انسان‌ها نخواهد بود. اگر نظامی حقوقی بر این اساس تنظیم گردد، تنها تا اندازه‌ای از بعد نظری مشکل حل خواهد شد، ولی در بعد عملی، از دو جنبه دارای مشکل است: تبعیض؛ عدم آمادگی اجتماعی. امروزه آزادی عقیده و بیان در عمل، به صورت تبعیض‌آمیز اجرا می‌گردد و همه انسان‌ها به طور مساوی از آن بهره‌مند نیستند، بنگاه‌های تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی غرب با استفاده از بهترین وسایل، تمام ارزش‌های مطلوب خود را به عنوان آزادی بیان ارائه می‌دهند، ولی صدایی از مظلومیت ملل ستم‌دیده به جایی نمی‌رسد و حتی مواعی نیز برای آن‌ها ایجاد می‌کنند. سوم. به لحاظ تاریخی، باید نگاهی به اعلامیه جهانی حقوق بشر افکند. (غمامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵).

در برهه‌ای از تاریخ - قرون وسطا - بسیاری از حقوق انسان‌ها نادیده گرفته می‌شد و آزادی بیان و عقیده به هیچ نحو رعایت نمی‌شد. به تدریج، شورش‌ها و انقلاب‌ها به وجود آمد و مردم از قیدوبند کلیسا آزاد گشتند، ولی این بار دچار نوعی افراط در آزادی شدند. به دیگر سخن، آزادی‌های مطلق و بی‌حد و حصر امروز بازتاب قید و بندهای سخت قرون وسطاست که باید گفت هر دو بر خطاست و هیچ یک از این دو نمی‌تواند بیانگر کرامت انسان باشد؛ یکی بر تفریط است و دیگری بر افراط. چهارم. نکته مهم و در خور توجه مسئله «جدایی دین از سیاست» است. این اندیشه که در قرون اخیر، از سوی غرب منشأ گرفته، تمام تعالیم آسمانی را مورد هدف قرار داده و دین را از جهانی بودن به یک سلسله توصیه‌های اخلاقی صرف تبدیل نموده است. سیاست‌مداران دنیا طلب این اندیشه را رواج داده و دین را به کناری

نهاده‌اند. از نظر اینان که بی‌توجه به عقاید دینی هستند، آزادی مطلق در ابعاد گوناگون وجود دارد. اینان «سکولار» می‌اندیشند و «سکولار» زندگی می‌کنند و برایشان چه اهمیتی دارد که این آزادی غربی تمام ارزش‌های دینی و اخلاقی را هدف قرار دهد.

از نظر اسلام، دین در عینیت جامعه و عاملی برای بهبود تمام رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است و تنها در امور عبادی خلاصه نمی‌شود. از این رو، «آزادی‌های مطلق»، به گونه‌ای که اهداف عالی انسانی و تعالیم آسمانی را مورد استهزا و بی‌توجهی قرار دهد، نمی‌تواند مطلوب باشد، بلکه آزادی باید در چهارچوب صحیح قرار گیرد تا هدف خلقت که استکمال و تعالی انسان و رسیدن او به قرب الهی است، تأمین گردد. (رضوی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱).

۴، ۱، ۴. عدالت اجتماعی

عدالت، فلسفه دیگر تشکیل حکومت در اسلام است. حذف امتیاز و فاصله‌های بی‌دلیل و محو ظلم، گفتمان غالب امام را تشکیل می‌دهد. در نگاه امام، عدالت اجتماعی در همه شئون اعتقادی، عبادی و اجتماعی اسلام ریشه دارد و با معنویت، ولایت و عقلانیت اسلامی درهم‌تنیده است و عدالت معیاری مطمئن برای سنجش اندیشه و رفتار انسان‌ها به شمار می‌آید. در صورت وجود این شرایط، حکومت باید امکانات تولید و فعالیت اقتصادی را در اختیار عموم قرار دهد و با برقرار کردن سیاست‌های پولی و مالیاتی صحیح، به هدایت راه‌بری این فعالیت‌ها پردازد. همچنین با ایجاد برخی سیستم‌ها، به کنترل و تصحیح روندها و شناسایی، تغییر و جای‌گزینی افراد همت‌گمارد. امکانات تولید و فعالیت اقتصادی در سرمایه، پول و اعتبار، کالاهای سرمایه‌ای و زمین منحصر نمی‌شود؛ بلکه آموزش عمومی علوم و فنون و ایجاد امکان بهره‌گیری عمومی از تکنولوژی، امنیت قضایی و تجاری، ایجاد بازارهای مناسب برای فروش تولیدات، ایجاد و کنترل روندهای مطمئن برای تولید و توزیع و در پایان، تنظیم قواعد و قوانین مناسب برای زدودن تبعیض و بی‌عدالتی در تولید و تجارت و توزیع را در بر می‌گیرد.

اما اگر آنچه گفتیم تحقق پذیرد، هنوز از عدالت اجتماعی فاصله‌ای بسیار داریم؛ چرا که توجهی به تفاوت توانایی افراد برای شرکت در فعالیت‌های اقتصادی نداشته‌ایم. بخش وسیعی از جامعه به سبب ضعف استعدادهای طبیعی، شرایط تحمیل‌شده اجتماعی، عارضه‌ها و حوادث و یا نبودن در سن فعالیت اقتصادی، از فعالیت اقتصادی سالم ناتوان‌اند و جمع برنامه‌ریزی برای تحقق عدالت اجتماعی بدون توجه به این اقشار راه به جایی نمی‌برد. بگذر از ما که چنان در اندیشه توسعه و دچار وسوسه‌ی قدرتییم که به‌راحتی از این آرمان می‌گذریم و استدلال می‌کنیم که توسعه، ارز و دلار لازم دارد و دلار با صادرات به دست می‌آید و توجه و استقبال از صادرات نیز تنها با سقوط ریال ممکن است. پس برای توسعه، باید ارزش ریال را پایین آورد، حتی اگر قیمت‌ها افزایش یابد. همچنین برای صادرات باید با کنترل‌کنندگان بازار جهانی هماهنگ بود. پس باید با آنان کنار آمد و نان قرض داد و سخت نگرفت، حتی اگر به قیمت چشم‌پوشیدن از شعارها و اهداف باشد. عجیب است که چه راحت به افزایش قیمت‌ها حکم می‌کنیم و از کنار فشار توان‌فرسا و خردکننده‌ای که بر اقشار ضعیف وارد می‌شود، عبور می‌کنیم. توجه به این اقشار باید در متن برنامه‌ها جای بگیرد و جزو اهداف اصلی باشد، نه این که ما اهداف دیگری را تعقیب کنیم و لطمات حاصل از برنامه‌هایمان را با ابزارهای مقطعی و مسکن‌های موقتی کم کنیم، تازه ناله هم سر دهیم که یارانه می‌دهیم و از فشاری که بر گرده‌ی دولت می‌آید بنالیم. (فروغی نیا و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۷).

همچنین عدالت قضائی از شاخه‌های اصلی عدالت اجتماعی است. نگاه یک‌سان قوه قضائیه به شهروندان و نگاه برابر قاضی به دو سوی دعوا. در مبنای قرآنی امام، اسلام به برخی امتیازهای ویژه‌ای نداده و شماری را بر شماری ناروا برتر نشانده است. امام تأکید داشت، دادستان باید متعهد و پاک باشد و از دایره حقیقت پا بیرون نهد. آشنایی با متون حقوقی و پایبندی به سوگندنامه قضائی معیار گزینش قضات در غرب است. در اسلام افزون بر آشنایی قضات با شیوه دادرسی، داور باید از ملکه تقوا برخوردار باشد و پایبند به شعائر دینی. واجبات دینی را به موقع انجام دهد و خود را از شبهه و حرام‌خواری دورنگه دارد. امام، عدالت را از شرایط اصلی نفوذ حکم قاضی می‌داند.

۴, ۵. خدمت صادقانه به شهروندان

در قرن معاصر دولت‌ها تلاش می‌کنند سطح رفاه عمومی کشورشان را روزبه‌روز ارتقا دهند. در این مسیر دولت‌ها با به‌کارگیری سازمان‌ها و نهادهای وابسته خود به قصد خدمت به اقشار مختلف جامعه به سمت حداکثرسازی رفاه عمومی حرکت می‌کنند. همان‌طور که می‌دانیم اقتصاد یک کشور به دو بخش مهم خصوصی و عمومی تقسیم‌بندی می‌شود. بخش خصوصی به دنبال حداکثرسازی سود خود است و تعیین هدفی غیر از این برای آن در حقیقت شعاری بیش نیست. (مرزوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۰). در مقابل هدف بخش عمومی تأمین رفاه مردم است. بخش عمومی (دولت) به واسطه ابزارهای سیاسی و قانونی که دارد به راحتی می‌تواند سودهای کلان را از راه‌های گوناگون به دست آورد؛ اما این عمل به قیمت دورشدن از هدف اصلی بخش عمومی یعنی رفاه مردم است. به طور مثال سازمان تأمین اجتماعی با حذف کردن یک دارو از لیست داروهای تحت پوشش بیمه به راحتی می‌تواند سود خود را افزایش دهد یا اینکه وزارت آموزش و پرورش حقوق معلمان و کارمندان را با اخذ شهریه از خانواده‌ها تأمین کند تا هزینه‌های خود را کاهش دهد حتی دولت می‌تواند با حذف سوسید کالاهای اساسی (پست) وضعیت بودجه خود را بهبود بخشد. در تمامی موارد ذکر شده هزینه‌های دولت کاهش می‌یابد و حتی ممکن است به کسب درآمد نیز منجر شود؛ اما نکته مهمی که در این بین نباید آن را فراموش کرد این است که به واسطه عهده‌دار بودن وظیفه مدیریت بخش عمومی، دولت باید به دنبال حداکثرسازی رفاه عمومی باشد و نه در پی کسب سودآوری و رفع کسری بودجه خود از طریق کاهش سطح رفاه عمومی جامعه. (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۴).

باتوجه به مطالب فوق یکی از اصلی‌ترین وظایف هر دولتی مدیریت بخش عمومی و خدمات عام‌المنفعه است. در حقیقت در مواردی که مکانیزم بازار و قیمت‌گذاری بر اساس عرضه و تقاضا نمی‌تواند رفاه عمومی را تأمین کند دولت مجبور است در آن امور دخالت کند در ادامه به برخی از این امور اشاره می‌شود: «۱- کیفیت هوا و محیط‌زیست، ۲- ایمن‌سازی در برابر بلاهای طبیعی مثل سیل و زلزله، ۳- مدیریت آب و جلوگیری از مصرف بی‌رویه آن، ۴- جلوگیری از انتشار گازهای گلخانه‌ای و سمی، ۵- کاشت درختان و بیابان‌زدایی، ۶- کمک به اقشار ضعیف جامعه، ۷- جلوگیری از قاچاق کالا و ارز، ۸- کنترل قیمت کالاهای اساسی (پست) با استفاده از سیاست‌های صادرات و واردات به نحوی که تولیدکنندگان داخلی نیز متضرر نشوند.» (رضایی زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴).

اجرای کامل و صحیح مورد آخر نیازمند سیاست‌گذاری دقیق است؛ چرا که اجرای ناقص سیاست کنترل قیمت کالاهای اساسی می‌تواند دو پیامد ناگوار در پی داشته باشد:

۱- از بین رفتن حقوق تولیدکننده داخلی به علت واردات بی‌رویه یا جلوگیری از صادرات یا قیمت‌گذاری دستوری

۲- کاهش سطح رفاه عمومی به علت افزایش قیمت کالاهای اساسی

اینجا است که دولت باید سیاستی را اتخاذ کند که هر دو طرف درگیر در این موضوع یعنی تولیدکننده و مصرف کننده متضرر نشوند و با پرداخت سوبسید مطلوبیت هر دو طرف را تأمین کند. این سوبسید می تواند به صورت آشکارا (نقدی) باشد که خود تورمزا است یا اینکه به صورت پنهان (غیرمستقیم) باشد که اثرات تورمی به مراتب کمتری دارد؛ مانند خرید تضمینی محصولات تولیدی، پرداخت سوبسید به نهادهای کشاورزی و تولیدی به منظور کاهش هزینه تولید، پرداخت تسهیلات ارزان قیمت به تولیدکنندگان، حذف تعرفه صادرات به منظور حمایت از تولیدکنندگان، معافیت تولیدکنندگان از پرداخت مالیات، خرید مازاد عرضه تولیدکنندگان به منظور حمایت از حقوق تولیدکنندگان و اعطای آن به اقشار ضعیف جامعه به صورت اقساط کم بهره و بلندمدت، پرداخت سوبسید به خانوارها بر روی هر خدمتی که قابل قاچاق نمی باشد مثل آموزش، بهداشت، حمل و نقل و... (معتضدیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۹).

دولت به عنوان عهده دار سکان بخش عمومی، باید به نحوی سیاست گذاری کند که سطح رفاه جامعه روز به روز افزایش یابد و در کنار آن از بخش خصوصی نیز به عنوان موتور مولد اقتصاد حمایت کند. دولت نباید تحت عنوان رفع کسری بودجه میزان رفاه جامعه را کاهش دهد یا اینکه به منظور حمایت از حقوق مصرف کننده، تولیدکننده داخلی را تحت فشار قرار دهد تا با قیمت دستوری اقدام به عرضه محصولات خود کند. دولت وظیفه دارد به نحوی سیاست گذاری کند که هم مصرف کننده و هم تولیدکننده منتفع شوند تا بدین وسیله سطح رفاه عمومی جامعه رشد و تعالی یابد.

۴، ۱، ۶. افزایش ثروت ملی

ثروت های عمده کشور (انفال) در اختیار دولت است تا آن را با عدالت در راه رفاه شهروندان به کار بندد و از تکاثر و گردش سرمایه میان ویژه خواران جلوگیری کند (سوره حشر آیه ۷) توان مالی بیت المال، به معنای افزایش توان خرید مردم و بالارفتن قدرت دولت است. توان مندی اقتصادی، مستلزم نظارت افراد دین باور و اقتصاددان، بر گلوگاه های اقتصادی کشور است و صرفه جویی دولت نیز توان مالی جامعه را بالا می برد. بیت المال حوزه ای گسترده دارد. منابع مالی، نفت و گاز. (استفتانات، ج ۲/۵۸۹) وقت و فرصت کارمندان، مطبوعات و رادیو و تلویزیون و فرصت های نظامیان و ارتشیان، همه از بیت المال است. امام به مطبوعات سفارش کرد، خبرهای بیهوده ننویسند و رادیو و تلویزیون نیز از اسراف پرهیزد و دغدغه وقت و فرصت های مردم را داشته باشد. امام یادآور می شد، ثروت ملی برای تشریفات زائد هزینه نشود. دولت از نیروهای موجود به جا استفاده کند و با افزایش کارمند و مشاور و سمت های بی فایده، هزینه بیت المال را بالا نبرد. امام در اهمیت حراست از بیت المال، به سیره امیرمؤمنان در صرفه جویی از ثروت های عمومی استناد جسته است: «امیرمؤمنان به کاتبان خود فرمودند: سر قلم ها را نازک بگیرد، سطرها را نزدیک هم بنویسد، از چیزهایی که فایده ندارد، احتراز کنید...»

این طور حضرت امیر (ع) در وقت حکومتش دستور می دهد برای صرفه جویی. او مضایقه می کند که در یک صفحه که می شود ده سطر نوشت، پنج سطر نوشته بشود؛ یک قلم... سرش ریزه باشد تا کم صرف بشود، حرفه ای غیراصولی نوشته نشود که صرفه واقع بشود. باز از ایشان نقل شده است که: حساب بیت المال را می کشیدند، چراغی روشن بود، شمعی روشن بود و کسی آمد با ایشان حرف دیگری می خواست بزند، شمع را خاموش کردند، فرمودند که این مال بیت المال است، تو می خواهی حرف دیگر بزنی... این دستور است در طول تاریخ برای کسانی که متکفل حکومت هستند که تا

اندازه ممکن در بیت‌المال تصرف نکنند، یک درهمش در آن طرف حساب دارد. حکومت‌های اسلامی باید بیت‌المال مسلمین را برای جلال و جبروت خودشان صرف نکنند.» (صحیفه امام، ج ۱۹/۳۷۵).

۴،۱،۷. پاسداری از امنیت شهروندان

امنیت از مؤلفه‌های اساسی زندگی شایسته است. نبود تهدید و ترس و آرامش فکری و فیزیکی از تعریف‌های مورد قبول امنیت است. بشر در صورت مهارنکردن خواسته‌هایش، به حریم دیگران تجاوز می‌کند. بدون امنیت دیگر ارزش‌های انسانی مانند دیانت، عدالت، آزادی و پیشرفت‌های علمی به بازنمی‌نشیند. اسلام، به‌عنوان نظامی ارزشی و حقوقی به آرامش شهروندان توجه ویژه دارد (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۳۱/۱) اشرار و دزدان و رهنزان، تهدید خارجی، وجود اختلاف در میان رهبران جامعه و ترس و وحشت سیاسی از مصادیق ناامنی به شمار می‌آید. مبارزه با ناامنی و شرارت و نیز مبارزه با بدگمانی و تهمت و غیبت و دروغ از راه کارهای دین برای ایجاد امنیت فیزیکی و فکری مردم است. فتنه‌انگیزی و ایجاد تفرقه در میان مردم و ایجاد تفرقه و دشمنی در میان شهروندان، جامعه را ناامن می‌کند.

حفظ اسلام، پیش‌شرط امام برای امنیت شهروندان است. در ترازم میان مال و جان شهروندان و حفظ اسلام، اسلام مقدم است و همه وظیفه دارند چونان پیامبر برای حفظ شعار و آیین‌های دین از جان خود بگذرند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۲۳۱).

۴،۲. مهم‌ترین اهداف حکومت اسلامی در حفظ حقوق و کرامت

مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد و با نظام‌های سه‌گانه انسانی هماهنگ است، همانا دو چیز است: اول انسان‌ها را به سمت «خلیفه الله» شدن راهنمایی و مقدمات سیروسلوک آن را فراهم کردن. دوم: کشور اسلامی را «مدینه فاضله» ساختن، مبادی تمدن راستین را مهیا نمودن و اصول حاکم بر روابط داخلی و خارجی را تبیین کردن است. اصالت در بین دو رکن یادشده همانا از آن خلافت الهی است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ۲۳۱).

هدف اصلی و اولیه خداوند از خلقت هستی، نیل انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این‌رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و نیل انسان‌ها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای نیل به این هدف غایی ذاتی فراهم می‌سازند. بر اساس آیه شریفه: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي كُنْه»؛ و من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادتم کنند و از این طریق تکامل یابند و به من نزدیک شوند.» (سوره ذاریات، آیه ۵۶). حکومت اسلامی موظف است در راستای تحقق پرستش خداوند تمام تلاش خود را به کار برد، چرا که هدف از آفرینش عالم، تحقق همین امر و در نتیجه، نیل به تعالی و کمال نهایی است. هدف مطلق و نهایی دین، نورانی شدن انسان‌ها و رسیدن آنان به شهود، لقاءالله و دارالقرار است و از این‌رو، قیام مردم به قسط و عدل و حتی عبادات، همگی اهداف نسبی و متوسط دین است. مسائل عبادی و سیاسی، وسایلی برای رسیدن فرد و جامعه به آن هدف نهایی است و همگی صراط و راه‌اند و راه‌هیچگاه نمی‌تواند هدف نهایی باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۳۳)؛ به نقل از شبان‌نیا، ۱۳۸۹).

به نقل از حضرت آیت‌الله بهاء‌الدینی در کتاب نردبان آسمان که مجموعه‌ای از درس‌های اخلاق ایشان هست، وظیفه حکومت اسلامی را سوق‌دادن مردم به سوی ماورای طبیعت و دوری از نشئه حس دانسته است. سپس بیان شده، وظیفه مهم حکومت اسلامی بسط توحید و معارف غیبی و انسان‌سازی است. کار انبیا و سیاسیون الهی، اداره جامعه و سوق‌دادن مردم به سوی توحید است؛ بسط زندگی و تفسیر جهان و انسان بر مبنای توحید است. انبیا علیهم‌السلام تهذیب و

سازندگی را از خود شروع می‌کردند، آنگاه به محیط خانواده می‌پرداختند و سپس به جامعه روی می‌آوردند و درصدد تهذیب و تطهیر و تربیت جامعه بر می‌آمدند. انبیا و اولیای الهی، در اثر تهذیب و ریاضت نفس، چون خورشید تابان می‌درخشیدند و اطراف خود را روشن و نورانی می‌کردند و هرکس مستعد بود، بر اثر نورانیت شمس نبوت و قمر ولایت، هدایت می‌یافت. روش تربیتی انبیا عملی بود؛ نه حرفی. حرکات و سکنات و اعمال انبیا علیهم‌السلام، همه تعلیم و هدایت است. انبیا و اولیا، به‌عنوان ابزار و طریقت می‌نگریستند، نه به‌عنوان موضوعیت. انبیا دنیا را به‌صورت منفی طرد نمی‌کردند، لکن انغمار و فرورفتن در دنیا، موضوعیت برای آن قائل‌شدن را رد می‌کردند. رجل الهی دنیا را در خدمت دین به کار می‌گیرد و کسانی را که بر اساس وهم و مادیت زندگی می‌کنند، دین را به خدمت دنیا می‌گیرند (اسدی، ۱۳۹۲: ۲۵۴؛ به نقل از معینی، ۱۳۹۲)

اساسی‌ترین نقطه افتراق حکومت‌های دینی و غیردینی در همین هدف غایی نهفته است. در نظام‌های دموکراتیک غربی، در بهترین وضعیت خود، اهدافی مادی، هدف غایی حکومت در نظر گرفته می‌شود و تأمین نیازمندی‌های دنیوی شهروندان و سعادت ایشان در این راستا، در رأس برنامه‌ها قرار می‌گیرد، اما در حکومت اسلامی به مصالح مادی و معنوی انسان‌ها، توأمان توجه می‌شود و حتی از این بالاتر، در نظام اسلامی، ابعاد روحانی، معنوی و اخروی در مقایسه با ابعاد مادی و دنیوی، اولویت دارند (خراسانی، ۱۳۹۰: ۵۵۷؛ به نقل از شبان‌نیا، ۱۳۸۹)

تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی به‌عنوان تکلیف الهی، محوری‌ترین نقش را در خاستگاه و اهداف حاکمیت علوی دارد (همتی، ۱۳۹۸: ۱۲) آشکار کردن حقیقت و نشانه‌های دین، ایجاد عدالت و امنیت و اصلاح شهرها و اجرای احکام الهی از اهداف اصلی حکومت علوی است. (همتی، ۱۳۹۸: ۱۲)

هدف اساسی در حکومت دینی، هدایت مردم در امور دین و دنیای آنها است، از این رو رهبر باید نسبت به اصلاح دین و دنیای مردم بکوشد. بر این اساس تمام فرامین، اعمال و رفتار حاکم اسلامی در جامعه بایستی متضمن حفظ این دو مهم؛ یعنی پیشرفت دین و رفاه دنیوی ملت باشد. بی‌تردید این دو نیز مانند دو بال برای پرواز است و تقویت یکی بدون دیگری جامعه را از مسیر الهی خارج می‌سازد. تقویت دین بدون توجه به رشد دنیوی و تقویت دنیا بدون رشد دین در جامعه، نتیجه‌ای جز تباهی دین و دنیا به دنبال نخواهد داشت و جامعه‌ای که مانند جسم بی‌روح و یا روان بی‌جسم است، از ادامه حیات بازمی‌ماند (غضنفری، ۱۳۷۹: ۹۰؛ به نقل از کمالی، ۱۳۹۶: ۱۵)

در نهایت، فراهم نمودن زمینه بهره‌مندی انسان‌ها از حق هدایت به‌منظور رشد و تعالی انسان، اولین و مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی در پیشرو دارد، فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای بهره‌گیری انسان‌ها از اساسی‌ترین حق خود، یعنی حق هدایت است. بر این اساس، اولین حقی که انسان در برابر انسان‌های دیگر پیدا می‌کند این است که کسی مانع تحقق عبودیت خداوند در روی زمین نشود و اولین گام در مسیر عبودیت خداوند، راهیابی به سمت هدایت صحیح است (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۴).

۵. الزامات دگرگونی ساختاری و رفتاری دولت برای دستیابی به دولتی کارآمد

در مسیر تحول اداری از آنجایی که پایین‌بودن بازده کاری در مجموعه‌های دولتی از دلایل کاهش بهره‌وری در نظام اداری است، از جمله دلایل بهره‌وری پایین را می‌توان در حجم وسیع و قلمرو فزاینده دولتی بودن امور در اقتصاد، غیراقتصادی بودن تشکیلات دستگاه‌های اجرایی، وجود عملیات موازی با گستره وسیع در مجموعه کلان نظام اداری

کشور، قوانین و مقررات دست‌وپاگیر، فقدان ضوابط و مکانیزم‌های استقرار نظام لیاقت و شایستگی در انتخاب نیروی انسانی و مدیران کارآمد و شایسته، فقدان مبانی انگیزشی و نظام‌های تشویقی در مجموعه نظام اداری، سرعت رشد حجم نقدینگی، سرعت رشد نرخ تورم بر قیمت کالاها و خدمات موردنیاز دولت و کاهش قدرت خرید حقیقی حقوق و دستمزد دریافتی کارکنان جستجو نمود؛ بنابراین، در مراحل اولیه آگاهی مدیران به ظرفیت‌ها، قوانین و برنامه‌های تحول و بهره‌مندی آنها از اختیارات و منابع لازم برای اجرای برنامه، ایجاد باور، اعتقاد و انگیزه لازم در سطوح مختلف مدیریتی، حرکت از مدیریت وظیفه به مدیریت فرایند، برقراری نظام مدیریت عملکرد، حرکت از ساختار سلسله‌مراتبی به ساختاری با حداقل رده‌های سازمانی و نیز از فرایندهای دستوری و کنترلی به فرایندهای مشارکتی و خودکنترلی، ایجاد سیستم تشویق و ترغیب، حرکت از مناسبات درون‌سازمانی جزیره‌ای به مناسبات درون‌سازمانی شبکه‌ای، حرکت از تمرکز به عدم تمرکز در نظام تصمیم‌گیری و در نتیجه حرکت از دولت حجیم و سنگین به دولتی کارآمد، متناسب و چابک از مهم‌ترین ضرورت‌هایی است که در سیر تحول نظام اداری نقش حیاتی دارند و جایگاه دولت در اجرای آنها می‌تواند بسیار حیاتی باشد. (مرزوقی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۲).

از سوی دیگر، اگرچه در ایران برنامه‌های زیادی از سوی دولتمردان برای مبارزه با فساد اداری طراحی شده و به اجرا درآمده است، اما در این رابطه موفقیت اندکی حاصل شده که از دلایل اصلی آن نظام‌مند و منسجم نبودن برنامه‌های اجرایی از سوی دولت و سایر دستگاه‌های نظارتی به‌منظور مبارزه با فساد و تغییر محتوای این برنامه‌ها در پی تغییر دولت‌ها و شدت و ضعف فشارهای اجتماعی و نیز تمرکز این برنامه‌ها بر روی تنبیه و مجازات متخلفان و نه پیشگیری از بروز و گسترش فساد است. (شفیعی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۵).

۱.۵. محوره‌های برنامه تحول در نظام اداری کشور

فرایند اصلاح نظام اداری و مدیریت دولتی نیازمند تلاشی نظام‌مند و منسجم است که با ایجاد تغییرات اساسی در نظام اداره عمومی، قادر است توان جامعه را در جهت دست‌یافتن به اهداف بزرگ ملی و پیشرفت افزایش دهد. هدف برنامه تحول در نظام اداری که نشئت گرفته از متن سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی مقام معظم رهبری، سند چشم‌انداز، لایحه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و در چارچوب سیاست‌های کلی دولت است، توانمندسازی دستگاه‌های اجرایی کشور و تربیت مدیران و کارشناسان کارآمد و تحول‌آفرین است. این برنامه شامل محورهای منطقی نمودن اندازه دولت و تحول در ساختارهای تشکیلاتی دولت، نظام‌های مدیریتی و استخدامی، برنامه‌های آموزش و بهسازی نیروهای انسانی، برنامه اصلاح فرایندها و روش‌های انجام کار و توسعه فناوری‌های اداری، برنامه ارتقا و حفظ کرامت مردم در نظام اداری، توانمندسازی و آموزش فرهنگی و تخصصی منابع انسانی، تقویت مدیریت و توان کارشناسی کشور و ارتقای روحیه خودکنترلی در کارها، خدمات‌رسانی به مردم و تکریم ارباب‌رجوع است (برنامه راهبردی تحول نظام اداری، ۱۳۷۹).

۲.۵. راهکارهای پیشنهادی

در شرایط کنونی کشور، برای ایجاد تحول اساسی در نظام اداری در چارچوب چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران و تدابیری که تحت عنوان سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی مطرح است، لازم است دستگاه‌های مسئول نظام اداری را در جهتی که قادر به عملی نمودن تدابیر و اهداف چشم‌انداز سال ۱۴۰۴ باشد؛ هدایت نمایند و این مهم جز با تحول نظام اداری در مفهوم اصلاح یا کارا تر کردن نظام اداری عملی نخواهد شد؛ بنابراین، باتوجه به نقشی که دولت

می‌تواند در این راهبرد تحولی داشته باشد و نیز راهکارهای بالقوه ای که قابلیت اجرایی دارند؛ اما تاکنون مورد توجه دولتمردان واقع نشده‌اند و همچنین برنامه‌های تعیین شده ای که در حال اجرا هستند، اما هنوز به مرحله تکمیل نرسیده‌اند؛ راهکارها و ابزارهایی که در این راستا مؤثر به نظر می‌رسند ارائه می‌گردد. (معتضدیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۰).

بدیهی است که از جمله نیازهای ضروری سازمان‌ها و ادارات، برنامه‌های آموزش و بهسازی نیروهای انسانی و آموزش‌های ضمن خدمت کوتاه‌مدت، رفع نقایص عملکردهای جاری و قبلی و پیش‌بینی‌های آینده‌نگر در این زمینه، لزوم بهبود کیفیت فعالیت‌ها، تلاش برای حسن مدیریت و مدیریت بهینه در ساختارهای سازمانی جهت فراهم کردن زمینه برای حضور مدیریت دانایی - که از دید این نوع مدیریت، تغییر اندک در ورودی یک نظام، قادر به تغییر بسیار شگرفی در خروجی نظام است - و نیز افزایش وظایف سازمان‌ها و لزوم انتقال آموزش‌های متناسب با این وظایف جدید، ورود فناوری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نوین در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی بسیار محسوس است. پیاده‌سازی این برنامه‌ها و نیز فراهم کردن نیازها و ضرورت‌های سازمان‌ها در کشور نیز نیازمند اقداماتی از سوی دولت است که در ادامه به چند مورد حیاتی و مؤثر اشاره می‌گردد:

تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی برای جمهوری اسلامی ایران و نیز دستیابی به اهداف چشم‌انداز بدون یک نظام کارآمد، مدیران لایق، فعال، قدرتمند و دلسوز امکان ندارد؛ بنابراین، ایجاد پایه‌های چنین نظامی، نیازمند ایجاد پایه‌های اخلاق بنیاد و خدمتگزار است. شناخت دقیق و جامع روندهای نامناسب وضعیت موجود، شناخت چشم‌انداز چالش‌های آینده در صورت تداوم روندهای نامناسب و تعیین شکاف و انحراف میان آنچه که انتظار می‌رود (مطلوب‌بودن) و آنچه که در عمل با تداوم روندهای نامطلوب کنونی روی خواهد داد؛ در تحقق تحولات اساسی در نظام اداری ایران ضروری به نظر می‌رسد.

در راستای عملی نمودن برنامه‌های آموزشی در جهت اصلاح فرایندها و رفع نقایص روش‌های انجام کار و نیز توسعه فناوری‌های نوین در ادارات و سازمان‌ها، در وهله نخست، نیاز به ابداع روش‌های کارآمدتر و تجزیه و تحلیل به‌صرفه و نتیجه‌بخش بودن این روش‌های جدید از سوی دولتمردان وجود دارد، به طوری که با به کارگیری این روش‌ها، وظایف سازمانی از مجرای صحیح و اصولی و بدون اتلاف انرژی و منابع سازمانی در جهت ایجاد نتیجه سریع و بسیار نزدیک به اهداف سازمانی انجام گردیده و این خود منجر به کوتاه‌شدن زمان دستیابی ارباب‌رجوع به هدف خود با کیفیت بهتر می‌گردد که رضایتمندی از سازمان را در پی خواهد داشت. همچنین، در راستای حفظ مقتضیات نظام خدماتی مطلوب و نیز تحقق برنامه ارتقا و حفظ کرامت مردم در نظام اداری، نیاز به اطلاع‌رسانی سریع، دقیق و در دسترس، تسریع عملیات موردنظر مراجعان، سهولت در انجام کارها و نیز گردش امور در کنار پابندی به اصول و قوانین عدم تبعیض و نظم عمل است که خود رضایتمندی خدمت‌گیرندگان را در پی خواهد داشت؛ بنابراین، تشکیل یک کمیته راهبری تخصصی تدوین‌کننده برنامه عملیاتی در کنار پرهیز از تصویب هرگونه قوانین و مقررات معارض با اهداف تعالی آفرین تحول و نیز اجتناب از تصمیم‌گیری‌های آنی و خلق‌الساعه در بین دولتمردان و شتاب نامعقول توصیه می‌شود. (غمامی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۸).

در خصوص دستیابی به اهداف کلان قانون اساسی و نیز اثربخشی سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی و یا موارد مشابه دیگر، لازم است نظام اداری جدیدی از سوی دولت طراحی و به کار گرفته شود که کارایی لازم را در انجام

مأموریت‌های مربوطه داشته باشد. بدیهی است از دیدگاه اقتصادی کارا تر نمودن نظام اداری که کوچک سازی آن، برون سپاری، کاهش کادر رسمی نیروی انسانی و نظیر اینها از نسخه‌های اثربخش در این جهت است، می‌تواند مورد توصیه باشد. قابل ذکر است که چنین تدابیر اقتصادی از سوی دولت برای تحول نظام اداری می‌تواند با تدابیر سیاسی- اجتماعی جامعه و نیز سایر سیاست‌های دولت از جمله رعایت عدالت اجتماعی تعارض پیدا نماید، اما در اینجاست که اهمیت برنامه‌ریزی دقیق و تحلیل شده بیشتر جلوه می‌نماید و ضرورت رعایت آن را از سوی برنامه ریزان و سیاست‌گذاران دولتی به اثبات می‌رساند. افزایش کارایی و استفاده از روش‌های علمی در امور دولتی و نیز قائل شدن امتیاز برای افراد با مهارت‌های ویژه و نیز مبادله پرسنل میان بخش‌های خصوصی و دولتی در اقصی نقاط کشور با تجزیه و تحلیل کارایی و تأثیرگذاری این پرسنل در نظام اداری و آموزش افراد در مواقع ضروری می‌بایست در دستور کار ویژه دولت قرار گیرد.

یکی از مهم‌ترین عوامل در تحقق کامل دولت الکترونیکی که انقباض دولت و در نهایت تحولی جدید در نظام اداری را در پی خواهد داشت، وجود بستر قانونی برای قانونمند و نظام‌مند کردن دولت الکترونیکی به منزله طرح ملی و ایجاد تفکر و اعتقاد مدیریت عالی کشور است. دولت الکترونیکی پروژه‌های عظیم و با ابعاد وسیع، متنوع و پیچیده است که نیاز به تأمین مالی و الزامات اجرایی و فعالیت‌های مختلف دارد که به دنبال آن تحول عظیمی در نظام اداری کشور انتظار می‌رود؛ بنابراین، آنچه در جهت استقرار دولت الکترونیک ضروری دیده شده است؛ مانند ایجاد پایگاه‌های ارائه خدمات و اطلاعات، ارتباط و تعامل دوسویه دولت با مردم، رسیدگی به شکایات مردم و ارزیابی عملکرد فرایندها و سیستم‌های ارائه‌کننده خدمات؛ همچنین در خصوص عدالت استخدامی و نظام پرداخت، برگزاری آزمون در تمام استخدام‌های دولتی و ایجاد فرصت‌های یکسان، توزیع و تخصیص مجوزهای استخدامی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته، استانداردسازی شرایط جذب و تصدی مشاغل، از جمله مواردی هستند که می‌توانند در بهبود ساختار اداری کشور تأثیر بسزایی داشته باشند (فروغی نیا و همکاران، ۱۹:۱۴۰۱). در این راستا نیز تأسیس سازمان ملی استخدامی در کابینه دولت به منظور کنترل و هماهنگی اداره امور استخدامی در وزارتخانه و استخدام افراد مستعد و با لیاقت و در نتیجه دانایی محور نمودن نظام اداری، می‌تواند مورد توصیه قرار گیرد.

بدیهی است نقش و جایگاه اساسی و محوری سازمان‌های دولتی کشور در پیشبرد سازمان‌ها به سمت سازمان‌هایی با ویژگی‌های عدم تمرکز و رهبری مبتنی بر تیم و نیز رو به جهانی شدن و نیز حفظ، تقویت و پویایی این سازمان‌ها در تجزیه و تحلیل شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی کشور و بررسی وضعیت خود سازمان‌ها از نظر دارا بودن قابلیت تغییر در جهت تأثیرگذاری بر رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی کشور و نیز میزان کارایی و اثربخشی عملکرد سازمانی از اهمیت بسیاری برخوردار هستند. بر این اساس، استراتژی‌های ایجاد تغییر در سازمان‌ها از سوی سازمان‌های دولتی، در کنار خود، استقرار سیستم انگیزشی مناسب برای ارتقای علمی و رفاهی کارکنان، استقرار نظام پیشنهادها در تصمیم‌گیری‌ها به منظور ایجاد همکاری بیشتر و ایجاد شادابی در کارکنان و برگزاری سمینارها و کارگاه‌های آموزشی را می‌طلبد تا اثربخشی آن بیشتر شود؛ بنابراین، اصلاح و طبقه‌بندی جدید تمام مقام‌های دولتی با وظایف اداری و ایجاد زمینه شراکت و تفکر جمعی و همگرایانه و درگیر شدن تمام صاحبان حرفه‌ها و تخصص‌های دولتی و غیردولتی با اولویت‌بندی‌های لازم بر حسب نقش، جایگاه و اهمیت هریک از آنها در کنار ایجاد و بهره‌گیری از تمام ظرفیت‌ها،

امکانات مادی و معنوی همه بخش‌ها و یافتن ابزارهای سیاستی مناسب از سوی دولت می‌تواند در بهبود ساختار نظام اداری تأثیر بسزایی بر جای گذارد. (کرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۴۵).

موفقیت تحول اداری در سایه مدیریت و رهبری افرادی دارای عزم راسخ و دیدگاه روشن و مورد پذیرش نسبت به آینده و مسیر حرکت اصلاحات تضمین می‌گردد. ضرورت ایجاد تغییرات بنیادی به منظور تحول و تکامل ساختار نظام مدیریتی دولت و موانع توسعه اقتصادی، بازنگری در مبانی فلسفی و تفکر حاکم بر طراحی و ساماندهی تشکیلات دولت به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار توسعه و نیز زمینه‌سازی در ساختار سازمانی دولت برای توسعه منابع انسانی، تشکیل و اثبات سرمایه انسانی، تحول در ابعاد انسانی به‌عنوان اصل زیربنایی مهم تحول اداری از طریق ایجاد زمینه‌های رشد و پرورش استعدادها، تلاش در جهت بالابردن سطح علمی و فنی کارگزاران به منظور افزایش دانش و شناخت نسبت به وظایف محول شده، افزایش مهارت و صلاحیت‌ها به منظور توانایی کاربردی کردن دانش‌ها، کوشش در جهت ایجاد زمینه‌های محرک انگیزش و نوآوری در فرایند کار و فعالیت، به‌عنوان اصلی‌ترین وظایف دولت احساس می‌گردد. تشکیل گروه‌های کاری حرفه‌ای و تخصصی از قشرهای متخصص امر برای انجام پروژه‌های عملیاتی متناسب با هریک از راهبردهای سازنده در سیر تحول با در نظر گرفتن اولویت‌های لازم از سوی برنامه‌ریزان دولتی، پیش‌بینی و ایجاد نظام ارزیابی عملکرد تخصصی و گروه‌های کاری حرفه‌ای و تخصصی و انجام اقدامات اصلاحی لازم تا دستیابی نهایی اهداف بنیادی برنامه تحول و برقراری یک سیستم بازرسی اداری و تعیین دقیق راهبردهای نحوه اجرای آن می‌تواند در این راستا نقش حیاتی ایفا نماید.

از آنجایی که تسریع برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی مستلزم مشارکت گسترده کلیه سطوح اداری و سازمانی است که برای رفع نیازهای مردم تشکیل یافته‌اند؛ تحول اداری در چارچوب ساختارهای سیاسی به گسترش خدمات دولتی به کلیه مناطق و مردم و نیز سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته از سوی دولت در این راستا وابسته است. بر این اساس، با توجه به هدف تحول اداری یعنی انطباق توانمندی‌ها و قابلیت‌های نظام اداری با نقش یک دولت مطلوب و ایده‌آل این هدف هنگامی دست‌یافتنی خواهد شد که برنامه‌های سیاست‌گذاری پیش و یا حداقل هم‌زمان با تحول اداری در برنامه کار دولت قرار گیرد. در کنار این امر، تأمین اعتبار لازم برای پیاده‌سازی و اجرای برنامه تحول و تلاش برای همسو کردن نیروهای مقاوم در برابر تغییر و تحول با استفاده از عوامل انگیزشی مادی و معنوی مناسب از سوی دولت در تسریع فرایند تحول اداری بسیار ضروری به نظر می‌رسد.

به‌طور کلی در نظام اداری یعنی مسیر دستیابی به اهداف کلان دولت و عرضه بهتر خدمات دولتی، با شناخت دقیق ابعاد و زوایای واقعیات نظام اداری موجود، ارزش‌ها، خواسته‌ها و اولویت‌های جامعه اسلامی و در نهایت تجارب سایر کشورها در سایه نظامی با مدیریت توانمند و کارا، برنامه‌ریزی دقیق و عملیاتی و آموزش نیروی انسانی و برنامه‌های آموزشی سازمان‌ها و انعطاف‌پذیری روحیه مشارکت‌پذیری مدیران و کارکنان در کشور می‌تواند مرتفع‌کننده تمام مشکلات نظام اداری و در نهایت جامعه باشد که همه این امور نیازمند توجه دولتمردان در چشم‌انداز استراتژیک تحول نظام اداری به سوی نظام اداری نوین و کارآمد است که لازمه این امر به کارگیری ابزارهای نوین در مسیر اجرای راهکارهای اشاره شده فوق برای پیشبرد اهداف و ضرورت‌های تحول در نظام اداری است.

به طور کلی نظام اداری هر حکومتی نشان دهنده نگرش دولت به نحوه اداره و مدیریت آن کشور است و نقش نظام اداری در ساختارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و تأثیر آن در تحقق اهداف نظام‌های کلان جامعه به قدری حائز اهمیت است که بدون داشتن نظام اداری کارآمد و اثربخش دستیابی به اهداف مدنظر عملی نیست. در سال‌های اخیر اصلاح نظام اداری و بهبود مدیریت به عنوان پیش‌نیاز اصلی رشد و توسعه کشور و یک هدف اساسی پیگیری می‌گردد، به طوری که کیفیت و اثربخشی مدیریت نظام اجرایی به عنوان عامل حیاتی و مهم در تحقق برنامه‌های توسعه و کامیابی و رفاه ملت‌ها ضروری به نظر می‌رسد. توجه به نتایج و دسترسی به اهداف، بهبود مستمر کیفیت خدمات عمومی و تأمین رضایت شهروندان، انجام هدفمند امور سازمانی و تحولات شگرف دانش مدیریت در دهه‌های اخیر، توجه به عملکرد دستگاه‌های اجرایی و ارزیابی آن را الزامی می‌سازد و امروزه نقش نظام‌های مدیریتی همانند نظام ارزیابی و نظارت کارآمد در بهبود و تعالی سازمانی کاملاً شناخته شده است. (عسگری و همکاران، ۱۴۰۱: ۷۷).

با اجرای راهکارهای مناسب انتظار می‌رود که دستاورد برنامه تحول در نظام اداری کشور، منجر به تبدیل نگاه حاکمانه دولت به نگاه خادمانه شود و اصل مشتری‌گرایی و جلب رضایت خدمت‌گیرندگان به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سنجش کارآمدی و رشد و توسعه نظام تلقی گردد. مؤلفه‌هایی مانند سرعت، دقت و صحت در انجام کارهای ارباب‌رجوع، کیفیت انجام کارها، شیوه رفتار و برخورد با خدمت‌گیرندگان، شفافیت و اطلاع‌رسانی مناسب عواملی هستند که در کنار جلب رضایت مردم در دریافت خدمات از دستگاه‌های دولتی، زمینه افزایش اعتماد عمومی که بزرگ‌ترین سرمایه و تکیه‌گاه نظام اداری است را نیز فراهم می‌سازد. روشن است که وقوع تحول را نمی‌توان بر شانه‌های تقدیر نهاد و نتایج مطالعات پیشین و این مطالعه نیز نشان می‌دهد که نقش دولت در تحقق صحیح برنامه تحول و کارآمدتر نمودن نظام اداری جامعه بسیار تعیین‌کننده بوده، به طوری که در سایه تلاش‌ها و سیاست‌گذاری دولتمردان و با شناخت دقیق ابعاد و زوایای واقعیات نظام اداری موجود، ارزش‌ها، خواسته‌ها و اولویت‌های جامعه اسلامی و در نهایت آگاهی از تجارب سایر کشورها قادر خواهیم بود با داشتن بدنه اداری سالم، به آن رشد و پیشرفتی که زینده جمهوری اسلامی ایران است، دست یابیم. (معتضدیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲).

نتیجه‌گیری

کرامت ذاتی، حقی است طبیعی و خدادادی که آفریدگار هستی در نهاد و وجود تمامی انسان‌ها به ودیعه نهاده و همگان را از آن بهره‌مند ساخته است. این حق آمیخته با حکم بوده و قابل سلب و اسقاط و نقل و انتقال نبوده و احدی را یارای تعدی و تجاوز به آن نیست، مگر آنکه آدمی با ارتکاب جرائم و معاصی آن را از خویشتن خویش زدوده و سالبه به انتفای موضوع گردد. این حق مورد پذیرش اسلام و اسناد حقوقی آن و نیز مقبول اسناد حقوق بشر بین‌المللی است. در کنار این حق، حق کرامت ارزشی وجود دارد که در سایه تلاش و تکاپوی آدمیان به تحقق می‌پیوندد و مقصد و غایت آن نیل به قرب الهی و قتل رفیع کمالات است؛ چیزی که مورد بی‌مهری اسناد بین‌المللی حقوق بشر قرار گرفته است. هر چند بنی آدم در حقوق مبتنی بر حیثیت و کرامت ذاتی دارای حقوقی واحد دارند، اما در مسیر دستیابی به ارزش‌ها و کسب کرامت انسان الهی هر کس بهره‌مزد و تلاش خود را خواهد برد.

تفاوت و جدایی مکتب اسلام و غرب را در این زمینه باید در توجه و عدم توجه به کرامت ارزشی و اکتسابی و نیز عنایت و بی‌توجهی به روح و حقیقت آدمی و شناخت و عدم شناخت از واقعیت و حقیقت انسانی جستجو نمود. زوال کرامت به زوال موضوع آن یعنی انسانیت آدمی است، چه حکم بی‌موضوع محقق نمی‌شود و حیوان و شیطان را بهره‌ای

از کرامت نیست. مراعات نمودن این حق بزرگ و حیاتی نیز به عواملی چون عدم اعتقاد به کرامت و خودخواهی‌ها و شهوت‌پرستی‌ها و هواپرستی افراد و همچنین جهل بسیط و مرکب آنان و عوامل دیگر چون فقر و... وابسته است. باتوجه به اینکه اصل کرامت انسانی به‌عنوان یکی از اصول پایه در دولت به رسمیت شناخته شده و رعایت آن منجر به حمایت از حقوق و منافع افراد خواهد گشت، لذا هدف از ضرورت رعایت اصل حقوق دفاعی می‌تواند حفظ کرامت و شخصیت انسانی اداره‌شوندگان در نظر گرفته شود؛ چرا که اگر افراد در برابر اعمال نیت مقامات اداری چاره‌ای جز پذیرش نداشته و حتی از ابتدایی‌ترین حقوق خود همچون آگاهی از زمان تصمیم‌گیری و چرایی تصمیم نیز محروم باشند، بدیهی است که در این گونه موارد کرامت افراد خدشه‌دار می‌شود و دیگر صحبت از رعایت حقوق انسانی محلی از اعراب نخواهد داشت؛ لذا این امر پذیرفته شده که ضرورت رعایت اصل حقوق دفاعی، در حقیقت در دامن اصل کرامت انسانی پرورش یافته است. پس یکی از لوازم افزایش میزان رعایت اصل کرامت را می‌توان در گسترش دامنه‌ی اصل حقوق دفاعی دانست.

باتوجه به موارد طرح شده، پیشنهادهاى زیر در جهت تقویت حقوق دفاعی افراد در برابر اداره و بر مبنای اهمیت کرامت انسانی آنها در حیطه مسئولیت و وظایف دولتی قابل ذکر هستند:

در وهله نخست باید اصول و قواعدی جامع‌تر که در صورت امکان تمامی حوزه‌ها را در بر بگیرد، در خصوص حمایت از حقوق و منافع شهروندان در برابر اقدامات مقامات اداری ایجاد گردد. در کشور فرانسه این امر تا حد بسیار زیادی در حقوق اداری این کشور و به‌واسطه قوانین عامی که در اواخر دهه هفتاد میلادی، ابتدای قرن بیست و یکم و به‌خصوص چند سال اخیر تصویب گشته‌اند، تحقق یافته است. در نظام حقوق اداری ایران نیز هرچند از سالیانی دور در قوانین و مقررات متعددی شاهد آن هستیم که در زمینه رعایت اصل حقوق دفاعی و لوازم آن موادی تصویب گشته‌اند؛ اما فقدان یک الزام عام و واحد، زمینه‌ساز تشتت در اعمال این موارد حمایتی گشته است و به‌این ترتیب شهروندان در اعمال این اصل با اعمال سلیقه‌های مقامات اداری روبرو می‌گردند. شایسته است تا با ایجاد یک قانون عام اداری، موجبات رعایت اصل حقوق دفاعی در تمامی زمینه‌ها فراهم شود و شهروندان در راستای تصمیمات مقامات اداری متعارض با حقوق خود، دچار زیان‌های کمتری گردند. این امر محقق نمی‌گردد مگر با توجهی ویژه به اهمیت رعایت کرامت انسانی شهروندان و تأثیری که یکی بر دیگری می‌گذارد.

به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران و اندیشمندان اقتصادی، تنها وظیفه دولت، حفظ آزادی‌های شهروندان در برابر تهدیدهای خارجی است و دولت‌ها حتی‌الامکان نباید در مسائل اقتصادی مداخله کنند و باید از کنترل بازارها خودداری کنند و همه چیز را به دست نامرئی بازار بسپارند؛ اما می‌دانیم که در برخی موارد شرایطی وجود دارد که بدون دخالت دولت نمی‌توان به آن بهینه اجتماعی دست یافت و در صورت عدم دخالت دولت ممکن است شکاف‌های زیادی بین افراد جامعه ایجاد شود. در چنین شرایطی، دولت‌ها علاوه بر برقراری امنیت و صلح در جامعه، وظایفی همچون سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش، تأمین کالاهای عمومی و تنظیم بهینه آثار خارجی را نیز بر عهده خواهند داشت.

در مرحله بعد، بایستی چه با بهره‌گیری از اصل سلسله‌مراتب اداری و چه توسط مراجع مربوطه اداری، بر رعایت اصول مربوط به حقوق دفاعی افراد نظارت کافی و شایسته به عمل آید. این نظارت باید به شکلی ویژه که به شکلی روزافزون هم شاهد اعمال آن هستیم، توسط دیوان عدالت اداری و به‌عنوان مرجع نهایی رسیدگی به شکایات افراد علیه اداره

صورت پذیرد. نباید فراموش نمود که در حقیقت، یکی از اصول حمایتی که به طور خاص به حمایت از حقوق شهروندان در دادرسی‌های اداری و فرایند اتخاذ تصمیمات اداری می‌پردازد، اصل حقوق دفاعی است که روز به روز بر دامنه آن نیز افزوده می‌شود.

برای اینکه بتوان از حقوق دفاعی افراد به بهترین شکل در برابر مقامات اداری (که اغلب از اختیارات زیادی نیز برخوردارند)، حمایت نمود؛ ضروری است تا موارد الزام اداره به رعایت این حقوق به صراحت و بدون هرگونه ابهام بیان شوند. از طرف دیگر، این مسئله هم حائز اهمیت است که مواردی که قرار است از رعایت این اصل مستثنی گردند نیز به روشنی در متن قوانین و مقررات مربوطه ذکر شوند تا راه را بر خودسری‌های اداره و تفاسیری که مانع حمایت از حقوق شهروندان می‌گردد، ببندند.

در ابتدای شکل‌گیری حقوق اداری در ایران، هرچند برخی مواد قانونی بر رعایت لوازم اصل حقوق دفاعی تأکید ورزیده بودند؛ اما در هر صورت باید عنوان داشت که عدم تشکیل شورای دولتی در تمامی دوره‌های پیش از شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران، مانع شکل‌گیری رویه لازم در مورد لزوم رعایت این اصل گردیده بود. اکنون و با شکل‌گیری دیوان عدالت اداری از ابتدای دهه شصت، امروزه قریب به سه دهه از رأی تاریخی دیوان مبنی بر لزوم مستند و مستدل بودن تصمیمات هیئت‌های رسیدگی به تخلفات اداری می‌گذرد. با این وجود، بدیهی است که باید آرای بیشتری از سوی قضات دیوان عدالت اداری و در خصوص رعایت اصول مذکور صادر گردند تا رویه‌ای آن چنان قوی شکل گیرد که باعث شود از این به بعد و به شکلی فزاینده شاهد اعمال این اصل و رعایت حقوق شهروندان در مراجع اداری باشیم. این امر حاصل نمی‌گردد؛ مگر با توجه ویژه‌تر قضات دیوان به در نظر گرفتن اهمیت رعایت کرامت انسانی افراد و با توجه به نگاه ویژه قانون اساسی به این امر و همچنین ظرفیت غیرقابل انکاری که در این اصول مشاهده می‌گردد و در برهه‌های مختلف تاریخی از سوی نگارندگان قانون اساسی نیز مورد توجه خاصی قرار گرفته است.

منابع و مآخذ

الف- منابع فارسی

۱. بابایی مهر، علی (۱۳۹۳) حقوق اداری (۱)، جلد اول، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۲. تفسیر انسان به انسان، عبدالله جوادی آملی، مرکز نشر اسراء، قم، چاپ اول، اسفندماه ۱۳۸۴.
۳. الجزایری، عبدالرحمن (۱۴۰۶ ق) الفقه علی المذاهب الاربعه، عبدالرحمن الجزایری، اللجنة بإشراف وزارة الأوقاف بمصر، دار احیاء التراث العربی، بیروت
۴. حبیب‌زاده، توکل؛ علی‌اصغر، فرج‌پور اصل مرندی (۱۳۸۷) کرامت انسانی و ابتدای حقوق بشری و شهروندی مندرج در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۸
۵. حبیب‌زاده، محمدجعفر و اسماعیل رحیمی‌نژاد (۱۳۸۷) کرامت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۸۸، شماره ۴
۶. حلوانی، سکینه (۱۴۰۰) تعهدات دولت در قبال حق برخورداری شهروندان از هوای سالم در حقوق ایران. مجله: مطالعات حقوق شهروندی- شماره ۱۹
۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) لغت‌نامه دهخدا، دانشگاه تهران، چاپ دوم

۸. راغب اصفهانی (۱۳۸۷) المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد خلیل عیتانی، مؤسسه فرهنگی آرایه، تهران، ۱۳۸۷.
۹. رستمی، ولی و احمد رنجبر (۱۳۹۳) عدالت اداری: چارچوب مفهومی و سازوکارهای نهادی، دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۷.
۱۰. رضایی زاده، محمدجواد؛ فرامرزی، عطریان (۱۳۹۳) اصل الزام به ارائه دلایل تصمیمات اداری در پرتو مفهوم اداره خوب: مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و اتحادیه‌ی اروپا، فصلنامه دانش حقوق عمومی، سال سوم، شماره ۸۳.
۱۱. رضوی، سید محمدحسن؛ قاسمی، مریم؛ زین‌الدینی، فاطمه (۱۴۰۱) تعهدات حقوق بشری دولت واضع تحریم در برابر مردم کشور تحریم‌شده: از صدور معافیت تحریمی تا رفع مؤثر موانع. مجله: مطالعات حقوق عمومی، دوره پنجاه و دوم - شماره ۲.
۱۲. سیدرضی، (۱۴۱۲) نهج البلاغه، انتشارات دارالهجره، قم.
۱۳. السیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱) الدر المنثور، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۱۴. شجاعی، عباس؛ قاسمی، زهرا؛ بیرجندی، فاطمه (۱۳۹۷) نگاهی به آزادی‌های فردی و جمعی در پرتو حقوق بین‌الملل. مجله: پژوهش در هنر و علوم انسانی، سال سوم - شماره ۱۴.
۱۵. شفیعی، سید محمد فرخ رضا؛ گلخندان، سمیرا؛ کونانی، سلمان (۱۳۹۸) رویکرد سیاست جنایی در حمایت از حقوق اساسی ملت با تأکید بر مداخله دولت (حکومت) و جامعه مدنی. مجله: تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری. شماره ۴۲.
۱۶. صحیفه امام خمینی، مجموعه آثار امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)؛ صحیفه امام؛ جلد بیست و دوم، چاپ پنجم، تهران.
۱۷. طباطبایی. سید محمدحسین (۱۴۲۲ ق) المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه‌ی الاعلمی للمطبوعات، بیروت، چاپ دوم.
۱۸. عبدالمهدی، محسن؛ شاکری، نفیسه (۱۳۹۸) تدابیر و راهکارهای شمول و افزایش ضمانت اجرای تعهدات حقوق بشری در نسل جدید معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری. مجله: پژوهش‌های اخلاقی - شماره ۳۸.
۱۹. عسکری، علیرضا؛ فرخی، منصور؛ روستایی حسین‌آبادی، یاسر (۱۴۰۱) بررسی گستره تعهدات دولت در اجرای حقوق اقتصادی - اجتماعی شهروندان در رویکرد قانون‌گذار اساسی ایران و اندیشه لیبرال. مجله: جامعه‌شناسی سیاسی ایران - شماره ۲۵.
۲۰. غمامی، سید محمد مهدی؛ تقی نژاد، علی (۱۳۹۹) تعهدات دولت در قبال «حق بر هوای پاک» بررسی نظام قانون‌گذاری جمهوری اسلامی ایران. مجله: مطالعات حقوق بشر اسلامی - شماره ۱۸.
۲۱. فروغی نیا، حسین؛ عنایت تبار، رشید؛ خدادادی، اشرف (۱۴۰۱) ماهیت تعهدات دولت‌ها در قبال حق توسعه اقتصادی با تأکید بر تحریم‌های هسته‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران. مجله: مطالعات حقوق بشر اسلامی - شماره ۲۶.
۲۲. قاری سید فاطمی، محمد (۱۳۸۲) حقوق بشر در جهان معاصر، ج ۸، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵) عدالت و حقوق بشر، مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۱۳، شماره ۵.
۲۴. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۴) کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۵. کرمی، حامد؛ میربد، سید علیرضا (۱۳۹۷) مختصات حقوق بشر در تمدن نوین اسلامی و تعهدات حکومت اسلامی در قبال آن. مجله: مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی - شماره ۲
۲۶. گرجی، علی اکبر (۱۳۸۷) حاکمیت قانون در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران: امکان‌سنجی یک نظریه، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۱
۲۷. گل‌دوزیان، ایرج (۱۳۷۸) حق دفاع در مراجع قضایی، مجله مطالعات حقوق، شماره ۵.
۲۸. محمد الرازی، فخرالدین (۱۴۱۵ ق) التفسیر الکبیر، دارالفکر، بیروت
۲۹. مرزوقی، رحمت‌الله؛ مروتی، مرضیه (۱۳۹۰) جایگاه عدالت در دولت کرامت محور مهدوی از منظر مقام معظم رهبری - رویکردی به دولت زمینه‌ساز. مجله: معرفت - شماره ۱۶۲
۳۰. مصوبات برنامه تحول در نظام اداری سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۷۹)، برنامه راهبردی تحول نظام اداری، مرحله دوم: انتشارات سازمان امور اداری و استخدامی کشور.
۳۱. معتضدیان، امین؛ مسعود، غلامحسین؛ عمادزاده، محمد کاظم (۱۴۰۱) مبانی فقهی تعهدات دولت در تأمین کالاها و خدمات عمومی در نظام حقوقی ایران. مجله: مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم - شماره ۴
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸) تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.
۳۳. المنجد فی اللغه والاعلام، بیروت ۱۹۹۷، طبع ۳۶.
۳۴. مؤذن‌زادگان، حسن علی (۱۳۸۸) حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دیدگاه‌های حقوق قضایی، شماره ۹
۳۵. هاشمی، محمد (۱۳۸۲) حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ پنجم، تهران: میزان.
۳۶. هداوند، مهدی؛ مسلم، آقای طوق (۱۳۸۹) دادگاه‌های اختصاصی اداری در پرتو اصول و آیین‌های دادرسی منصفانه، چاپ اول، تهران: خرسندی.
37. de Villiers, Michel; Le Divillec, Armel, (2013); Dictionnaire du droit Théorie des droits de l'homme et progrès de la biologie constitutionnel, 9e éd, Paris, Sirey.
38. Grewe, Constance; Ruiz Fabri, Hélène, (1995); Droits constitutionnels européens, Paris, P.U.F.
39. Irvin, Renee A. & John Stansbury (2004), Citizen Participation in Decision-making: Is it Worth the Effort?, Public Administration Review, Vol. 64, PP. 55-65.
40. Jorion, Benoît, (1999); «La dignité de la personne humaine ou la difficile insertion d'une règle morale dans le droit positif», R.D.P.
41. Moutouh, Hugues, (1999); «La dignité de l'homme en droit», R.D.P.